

## قانون اساسی

بسم الله الرحمن الرحيم

اصولی که برای تکمیل قوانین اساسی مشروطیت دولت علیه ایران بر قانون اساسی که در تاریخ چهاردهم شهر ذی القعدة الحرام یکهزار و سیصد و بیست و چهار به صحنه مرحوم مغفور شاهنشاه سعید مظفرالدین شاه قاجار نورالله مضجعه موشح شده اضافه می شود از قرار ذیل است.

## کلیات

اصل اول : مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه حقه جعفریه اثنی عشریه است؛ باید پادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد.

اصل دوم : مجلس مقدس شورای ملی که به توجه و تأیید حضرت امام عصر عجل الله فرجه و بذل مرحمت اعلی حضرت شاهنشاه اسلام خلد الله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثر الله امثالهم و عامه ملت ایران تأسیس شده است باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام صلی الله علیه و آله و سلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه بر عهده علمای اعلام ادام الله برکات وجودهم بوده و هست؛ لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیئتی که کمتر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقههای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند به این طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه اسامی بیست نفر از علما که دارای صفات مذکوره باشند معرفی به مجلس شورای ملی بنمایند پنج نفر از آنها را یا بیشتر بمقتضای عصر اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا به حکم قرعه تعیین نموده به سمت عضویت بشناسند تا موادی که در مجلسین عنوان می شود بدقت مذاکره و غوررسی نموده هر یک از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح ورد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیئت علماء در این باب مطاع و متبع خواهد بود و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجة عجل الله فرجه تغییر پذیر نخواهد بود.

اصل سیم : حدود مملکت ایران و ایالات و ولایات و بلوکات آن تغییر پذیر نیست مگر بموجب قانون .

اصل چهارم : پایتخت ایران طهران است.

اصل پنجم : الوان رسمی بیرق ایران سبز و سفید و سرخ و علامت شیر و خورشید است.

اصل ششم : جان و مال اتباع خارجه مقیمین خاک ایران مأمون و محفوظ است مگر در

مواردی که قوانین مملکتی استثناء می کند.

اصل هفتم : اساس مشروطیت جزئاً و کلاً تعطیل بردار نیست .

## حقوق ملت ایران

اصل هشتم: اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود.  
اصل نهم: افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمی‌توان شد مگر به حکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین می‌نمایند.

اصل دهم: غیر از مواعید ارتکاب جنحه و جنایات و تقصیرات عمده هیچکس را نمی‌توان فوراً دستگیر نمود، مگر به حکم کتبی رئیس محکمه عدلیه بر طبق قانون و در آنصورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتهی در ظرف بیست و چهار ساعت اعلام و اشعار شود.  
اصل یازدهم: هیچکس را نمی‌توان از محکمه‌ای که باید درباره او حکم کند منصرف کرده مجبوراً به محکمه دیگر رجوع دهند.

اصل دوازدهم: حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمی‌شود مگر بموجب قانون  
اصل سیزدهم: منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است؛ در هیچ مسکنی قهراً نمی‌توان داخل شد مگر به حکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده.

اصل چهاردهم: هیچکس از ایرانیان را نمی‌توان نفی بلد یا منع از اقامت در محلی یا مجبور به اقامت محل معینی نمود مگر در مواردی که قانون تصریح می‌کند.  
اصل پانزدهم: هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمی‌توان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تأدیة قیمت عادلانه است.

اصل شانزدهم: ضبط املاک و اموال مردم به‌عنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل هفدهم: سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و اموال متصرفه ایشان به هر عنوان که باشد ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل هجدهم: تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد.

اصل نوزدهم: تأسیس مدارس به مخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالی و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد.

اصل بیستم: عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به‌دین مبین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود نشردهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود. اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند.

اصل بیست و یکم: انجمنها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل به نظم نباشند در تمام مملکت آزاد است ولی مجتمعی با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در اینخصوص مقرر می‌کند باید متابعت نمایند. اجتماعات در شوارع و میدانهای عمومی

هم باید تابع قوانین نظمیه باشد .

اصل بیست و دویم : مراسلات پستی کلیتاً محفوظ و از ضبط و کشف مصون است مگر در مواردی که قانون استثناء می کند.

اصل بیست و سیم: افشاء یا توقیف مخابرات تلگرافی بدون اجازه صاحب تلگراف ممنوع است مگر در مواردی که قانون معین می کند .

اصل بیست و چهارم: اتباع خارجه می توانند قبول تبعیت ایران را بنمایند؛ قبول و بقاء آنها بر تبعیت و خلع آنها از تبعیت بموجب قانون جداگانه است.

اصل بیست و پنجم: تعرض به مأمورین دیوانی در تقصیرات راجعه به مشاغل آنها محتاج به تحصیل اجازه نیست مگر در حق وزراء که رعایت قوانین مخصوصه در این باب باید بشود.

### قوای مملکت

اصل بیست و ششم : قوای مملکت ناشی از ملت است ؛ طریقه استعمال آن نوبی را قانون اساسی معین می نماید.

اصل بیست و هفتم: قوای مملکت به سه شعبه تجزیه می شود.

اول: قوه مقننه که مخصوص است به وضع و تهنذیب قوانین و این قوه ناشی می شود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هر یک از این سه منشأ حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است به عدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح به صحت همایونی؛ لکن وضع و تصویب قوانین راجعه به دخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است.

شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است.

دویم: قوه قضائیه و حکمیه که عبارت است از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است به محاکم شرعیه در شریعات و به محاکم عدلیه در عرفیات.

سیم: قوه اجرائیه که مخصوص پادشاه است یعنی قوانین و احکام بتوسط وزراء و مأمورین دولت به نام نامی اعلیحضرت همایونی اجراء می شود به ترتیبی که قانون معین می کند.

اصل بیست و هشتم: قوای ثلاثه مزبوره همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود.

اصل بیست و نهم: منافع مخصوصه هر ایالت و ولایت و بلوک به تصویب انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب قوانین مخصوصه آن مرتب و تسویه می شود.

### حقوق اعضای مجلسین

اصل سیام : وکلای مجلس شورای ملی و مجلس سنا از طرف تمام ملت و کالت دارند نه فقط از طرف طبقات مردم یا ایالات و ولایات و بلوکاتی که آنها را انتخاب نموده اند.

اصل سی و یکم: یک نفر نمی تواند در زمان واحد عضویت هر دو مجلس را دارا باشد.

اصل سی و دویم : چنانچه یکی از وکلاء در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل می شود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف به استعفای از شغل دولتی و

انتخاب از طرف ملت خواهد بود.  
اصل سی و سیم: هر يك از مجلسین حق تحقیق و تفحص در هر امری از امور مملکتی دارند.

اصل سی و چهارم: مذاکرات مجلس سنا در مدت انفصال مجلس شورای ملی بی نتیجه است.

### حقوق سلطنت ایران

اصل سی و پنجم: سلطنت و دیعه‌ای است که به موهبت الهی از طرف ملت به شخص پادشاه مفوض شده.

اصل سی و ششم: سلطنت مشروطه ایران در شخص اعلیحضرت شاهنشاهی السلطان محمدعلی شاه قاجار ادام‌الله سلطنته و اعقاب ایشان نسلاً بعد نسل برقرار خواهد بود.

اصل سی و هفتم: ولایت عهد در صورت تعدد اولاد به پسر اکبر پادشاه که مادرش ایرانی‌الاصل و شاهزاده باشد می‌رسد و در صورتی که برای پادشاه اولاد ذکور نباشد اکبر خاندان سلطنت با رعایت الاقرب فالاقرب به رتبه ولایت عهد نایل می‌شود و هرگاه در صورت مفروضه فوق اولاد ذکور برای پادشاه بوجود آید حتماً ولایت عهد به او خواهد رسید.

اصل سی و هشتم: در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی می‌تواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که سن او به هیجده سال بالغ باشد. چنانچه به این سن نرسیده باشد با تصویب هیئت مجتمعه مجلس شورای ملی و مجلس سنا نایب السلطنه‌ای برای او انتخاب خواهد شد تا هیجده سالگی را بالغ شود.

اصل سی و نهم: هیچ پادشاهی بر تخت سلطنت نمی‌تواند جلوس کند مگر این که قبل از تاجگذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود با حضور اعضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هیئت وزراء به قرار ذیل قسم یاد نماید:

«من خداوند قادر متعال را گواه گرفته به کلام الله مجید و به آنچه نزد خدا محترم است قسم یاد می‌کنم که تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم، قانون اساسی مشروطیت ایران را نگهبان و برطبق آن و قوانین مقرر سلطنت نمایم و در ترویج مذهب جعفری اثنی عشری سعی و کوشش نمایم و در تمام اعمال و افعال خداوند عزشانه را حاضر و ناظر دانسته منظوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم و از خداوند مستعان در خدمت به ترقی ایران توفیق می‌طلبم و از ارواح طیبه اولیای اسلام استمداد می‌کنم.»

اصل چهارم: همین‌طور شخصی که به نیابت سلطنت منتخب می‌شود نمی‌تواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد.

اصل چهارم و یکم: در موقع رحلت پادشاه مجلس شورای ملی و مجلس سنا لزوماً منعقد خواهد شد و انعقاد مجلسین زیاده از ده روز بعد از فوت پادشاه نباید بتعویق بیفتد.

اصل چهارم و دوم: هرگاه دوره و کالت و کلای هر دو یا یکی از مجلسین در زمان حیات پادشاه منقضی شده باشد و و کلای جدید در موقع رحلت پادشاه هنوز معین نشده باشند و کلای سابق حاضر و مجلسین منعقد می‌شود.

اصل چهل و سیم: شخص پادشاه نمی‌تواند بدون تصویب و رضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا متصدی امور مملکت دیگری شود.

اصل چهل و چهارم: شخص پادشاه از مسئولیت مبری است؛ وزراء دولت در هر گونه امور مسئول مجلس هستند.

اصل چهل و پنجم: کلیه قوانین و دستخطهای پادشاه در امور مملکتی وقتی اجراء می‌شود که به امضای وزیر مسئول رسیده باشد و مسئول صحت مدلول آن فرمان و دستخط همان وزیر است.

اصل چهل و هشتم: عزل و نصب وزراء بموجب فرمان همایون پادشاه است.

اصل چهل و نهم: اعطای درجات نظامی و نشان و امتیازات افتخاری با مراعات قانون مختص شخص پادشاه است.

اصل چهل و دهم: انتخاب مأمورین رئیس دوائر دولتی از داخله و خارجه با تصویب وزیر مسئول از حقوق پادشاه است مگر در مواقعی که قانون استثناء نموده باشد ولی تعیین سایر مأمورین راجع به پادشاه نیست مگر در مواردی که قانون تصریح می‌کند.

اصل چهل و یازدهم: صدور فرامین و احکام برای اجرای قوانین از حقوق پادشاه است بدون اینکه هرگز اجرای آن قوانین را تعویق یا توقیف نماید.

اصل پنجاهم: فرمانفرمایی کل قشون بری و بحری با شخص پادشاه است.

اصل پنجاه و یکم: اعلان جنگ و عقد صلح با شخص پادشاه است.

اصل پنجاه و دویم: عهدنامه‌هایی که مطابق اصل بیست و چهارم قانون اساسی مورخه چهاردهم ذیقعدۀ یکهزار و سیصد و بیست و چهار استتار آنها لازم باشد بعد از رفع محذور، همین که منافع و امنیت مملکتی اقتضاء نمود با توضیحات لازمه باید از طرف پادشاه به مجلس شورای ملی و سنا اظهار شود.

اصل پنجاه و سیم: فصول مخفیۀ هیچ عهدنامه مبطل فصول آشکار آن عهدنامه نخواهد بود.

اصل پنجاه و چهارم: پادشاه می‌تواند مجلس ملی و مجلس سنا را بطور فوق‌العاده امر به انعقاد فرماید.

اصل پنجاه و پنجم: ضرب سکه با موافقت قانون به نام پادشاه است.

اصل پنجاه و ششم: مخارج و مصارف دستگاه سلطنتی باید قانوناً معین باشد.

اصل پنجاه و هفتم: اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قوانین مشروطیت حاضره تصریح شده.

#### راجع به وزراء

اصل پنجاه و هشتم: هیچکس نمی‌تواند به مقام وزارت برسد مگر آنکه مسلمان و ایرانی الاصل و تبعه ایران باشد.

اصل پنجاه و نهم: شاهزادگان طبقه اولی یعنی پسر و برادر وعموی پادشاه عصر نمی‌توانند به وزارت منتخب شوند.

اصل شصتم: وزراء مسئول مجلسین هستند و در هر مورد که از طرف یکی از مجلسین

احضار شوند باید حاضر گردند و نسبت به اموری که محول به آنهاست حدود مسئولیت خود را منظور دارند.

اصل شصت و یکم: وزراء علاوه بر این که بتنهایی مسئول مشاغل مختصه وزارت خود هستند به هیئت اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند.

اصل شصت و دویم: عده وزراء را، بر حسب اقتضاء، قانون معین خواهد کرد.

اصل شصت و سیم: لقب وزارت افتخاری بکلی موقوف است.

اصل شصت و چهارم: وزراء نمی‌توانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسک تراز داده سلب مسئولیت از خودشان بنمایند.

اصل شصت و پنجم: مجلس شورای ملی یا سنا می‌توانند وزراء را در تحت مؤاخذة و محاکمه در آورند.

اصل شصت و ششم: مسئولیت وزراء و سیاستی را که راجع به آنها می‌شود قانون معین خواهد نمود.

اصل شصت و هفتم: در صورتی که مجلس شورای ملی یا مجلس سنا به اکثریت تامه عدم رضایت خود را از هیئت وزراء یا وزیرى اظهار نمایند آن هیئت یا آن وزیر از مقام وزارت منزول می‌شود.

اصل شصت و هشتم: وزراء موظفاً نمی‌توانند خدمت دیگر غیر از شغل خودشان در عهده گیرند.

اصل شصت و نهم: مجلس شورای ملی یا مجلس سنا تقصیر وزراء را در محضر دیوانخانه تمیز عنوان خواهند نمود. دیوانخانه مزبوره با حضور تمام اعضاء مجلس محاکمات دائره خود محاکمه خواهد کرد مگر وقتی که بموجب قانون اتهام واقامه دعوا از دائره ادارات دولتی مرجوعه به شخص وزیر خارج و راجع به خود وزیر باشد.

تنبيه: مادامی که محکمه تمیز تشکیل نیافته است هیئتی منتخب از اعضاء مجلسین به عده متساوی نایب مناب محکمه تمیز خواهد شد.

اصل هفتادم: تعیین تقصیر و مجازات وارده بر وزراء در موقعیکه مورد اتهام مجلس شورای ملی یا مجلس سنا شوند و یا در امور اداره خود دچار اتهامات شخصی مدعیان گردند منوط به قانون مخصوص خواهد بود.

#### اقتدارات محاکمات

اصل هفتاد و یکم: دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و تضاد در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع الشرایط است.

اصل هفتاد و دوم: منازعات راجعه به حقوق سیاسیه مربوط به محاکم عدلیه است مگر در مواقعی که قانون استثناء نماید.

اصل هفتاد و سیم: تعیین محاکم عرفیه منوط به حکم قانون است و کسی نمی‌تواند به هیچ اسم و رسم محکمه‌ای برخلاف مقررات قانون تشکیل نماید.

اصل هفتاد و چهارم: هیچ محکمه ممکن نیست منعقد گردد مگر به حکم قانون.

اصل هفتاد و پنجم: در تمام مملکت فقط يك دیوانخانه تمیز برای امور عرفیه دایر خواهد

بود آنهم در شهر پایتخت و این دیوانخانه تمیز در هیچ محاکمه ابتداء رسیدگی نمی کند مگر در محاکماتی که راجع به وزراء باشد.

اصل هفتاد و ششم: انعقاد کلیه محاکمات علنی است مگر آنکه علنی بودن آن مخل نظم یا منافی عصمت باشد در اینصورت لزوم اخفاء را محکمه اعلان می نماید.

اصل هفتاد و هفتم: در ماده تقصیرات سیاسی و مطبوعات چنانچه محرمانه بودن محاکمه صلاح باشد باید باتفاق آراء جمیع اعضاء محکمه بشود.

اصل هفتاد و هشتم: احکام صادره از محاکم باید مدلل و موجه و محتوی فصول قانونیه که برطبق آنها حکم صادر شده است بوده و علناً قرائت شود.

اصل هفتاد و نهم: در موارد تقصیرات سیاسی و مطبوعات هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود.

اصل هشتادم: رؤساء و اعضاء محاکم عدلیه به ترتیبی که قانون عدلیه معین می کند منتخب و بموجب فرمان همایونی منصوب می شوند.

اصل هشتاد و یکم: هیچ حاکم محکمه عدلیه را نمی توان از شغل خود موقتاً یا دائماً بدون محاکمه و ثبوت تقصیر تغییر داد مگر اینکه خودش استعفاء نماید.

اصل هشتاد و دویم: تبدیل مأموریت حاکم محکمه عدلیه ممکن نمی شود مگر به رضای خود او.

اصل هشتاد و سیم: تعیین شخص مدعی عموم با تصویب حاکم شرع در عهده پادشاه است. اصل هشتاد و چهارم: مقرری اعضاء محاکم عدلیه بموجب قانون معین خواهد شد.

اصل هشتاد و پنجم: رؤسای محاکم عدلیه نمی توانند قبول خدمات موظفه دولتی را بنمایند مگر اینکه آن خدمت را مجاناً برعهده گیرند و مخالف قانون هم نباشد.

اصل هشتاد و ششم: در هرکسی ایالتی يك محکمه استیناف برای امور عدلیه مقرر خواهد شد به ترتیبی که در قوانین عدلیه مصرح است.

اصل هشتاد و هفتم: محاکم نظامی موافق قوانین مخصوصه در تمام مملکت تأسیس خواهد شد.

اصل هشتاد و هشتم: حکمیت منازعه در حدود ادارات و مشاغل دولتی بموجب مقررات قانون به محکمه تمیز راجع است.

اصل هشتاد و نهم: دیوانخانه عدلیه و محکمه ها احکام و نظامنامه های عمومی و ایالتی و ولایتی و بلدی را مجری خواهند داشت که آنها مطابق با قانون باشند.

در خصوص انجمنهای ایالتی و ولایتی

اصل نودم: در تمام ممالک محروسه انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب نظامنامه مخصوص مرتب می شود و قوانین اساسیه آن انجمنها از این قرار است:

اصل نود و یکم: اعضاء انجمن های ایالتی و ولایتی بلاواسطه از طرف اهالی انتخاب می شوند، مطابق نظامنامه انجمنهای ایالتی و ولایتی.

اصل نود و دویم: انجمنهای ایالتی و ولایتی اختیار نظارت تامه در اصلاحات راجعه به منافع عامه دارند با رعایت حدود قوانین مقرر.

اصل نود و سیم : صورت خرج ودخل ایالات و ولایات از هر قبیل بتوسط انجمنهای ایالتی و ولایتی طبع و نشر می‌شود.

#### در خصوص مالیه

اصل نود و چهارم: هیچ قسم مالیات برقرار نمی‌شود مگر به حکم قانون.  
اصل نود و پنجم : مواردی را که از دادن مالیات معاف توانند شد قانون مشخص خواهد نمود .

اصل نود و ششم : میزان مالیات را همه‌ساله مجلس شورای ملی به اکثریت تصویب و معین خواهد نمود.

اصل نود و هفتم : در مواد مالیاتی هیچ تفاوت و امتیازی فی‌مابین افراد ملت گذارده نخواهد شد.

اصل نود و هشتم: تخفیف و معافیت از مالیات منوط به قانون مخصوص است.

اصل نود و نهم: غیر از مواقعی که قانون صراحتاً مستثنی می‌دارد به هیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمی‌شود مگر به اسم مالیات مملکتی و ایالتی و ولایتی و بلدی.

اصل صد: هیچ مرسوم و انعامی به خزینة دولت حواله نمی‌شود مگر بموجب قانون.

اصل صد و یکم : اعضای دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی برای مدتی که بموجب قانون مقرر می‌شود تعیین خواهد نمود.

اصل صد و دوم: دیوان محاسبات مأمور به معاینه و تفکیک محاسبات اداره مالیه و تفریق حساب کلیة محاسبین خزانه است و مخصوصاً مواظب است که هیچیک از فقرات مخارج معینه در بودجه از میزان مقرر تجاوز ننموده تغییر و تبدیل نپذیرند و هر وجهی در محل خود به مصرف برسد و همچنین معاینه و تفکیک محاسبه مختلفه کلیة ادارات دولتی را نموده اوراق سند خرج محاسبات را جمع‌آوری خواهد کرد و صورت کلیة محاسبات مملکتی را باید به انضمام ملاحظات خود تسلیم مجلس شورای ملی نماید.

اصل صد و سیم : ترتیب و تنظیم اداره این دیوان بموجب قانون است.

#### قشون

اصل صد و چهارم : ترتیب گرفتن قشون را قانون معین می‌نماید ؛ تکالیف و حقوق اهل نظام و ترقی در مناصب بموجب قانون است .

اصل صد و پنجم : مخارج نظامی هر ساله از طرف مجلس شورای ملی تصویب می‌شود .

اصل صد و ششم: هیچ قشون نظامی خارجه به خدمت دولت قبول نمی‌شود و در نقطه‌ای از نقاط مملکت نمی‌تواند اقامت و یا عبور کند مگر بموجب قانون.

اصل صد و هفتم : حقوق و مناصب و شئون اهل نظام سلب نمی‌شود مگر بموجب قانون.



## سواد دستخط مبارک همایونی

بسمه تبارک و تعالی

متمم نظامنامه اساسی ملاحظه شد تماماً صحیح است و شخص همایون ما انشاءالله حافظ و ناظر کلیه آن خواهیم بود. اعقاب و اولاد ما هم انشاءالله متوی این اصول و اساس مقدس خواهند بود.

۲۹ شعبان قوی‌نیل ۱۳۲۵ در قصر سلطنتی طهران

[نمره - ۶۰]

قسمتی از مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۲۵ نوامبر)

از طهران مورخه هشتم نوامبر ۱۹۰۷

[۱۵ آبان ۱۲۸۶؛ یکم شوال ۱۳۲۵]

شدت هیجان سیاسی و یا مذهبی در ماه رمضان عموماً بیشتر است و اینکه وقایع چهار هفته گذشته تماماً متصادف با این ماه گردیده هیچ جای تردید نیست که ممد کثرت اغتشاش در سراسر مملکت ایران واقع شده است.

افق سیاسی از همه وقت تاریک‌تر می‌باشد و من روشنایی که نوید کارهای بهتری را بدهد آشکار و هویدا نمی‌بینم.

در ایالات هم‌روزه اوضاع به بدی منجر می‌گردد. پیشامد امور در شیراز چنان مخوف است که قنصل جنرال اعلیحضرتی مجبور شده است در افزایش مستحفظین خویش توصیه نماید. در اصفهان و نواحی اطراف آن عدم قانون به شیوع پیوسته و کارگذاران محلی چنان بی‌قدرت و ضعیفند که نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند تهیه مستحفظین برای دودسته از مأمورین تلگرافخانه هند و اروپایی بنمایند که متجاوز از یک ماه است باز مانده‌اند از این که حرکت نکرده تکالیف تفتیش را در امتداد خط تلگراف بعمل آورند و امروز عامل زیگلر به‌من اطلاع داد که طبقه علماء در خیال فراهم آوردن ترتیبات تحریم و بایقوت<sup>۱</sup> امتعه اروپایی می‌باشند. در کرمانشاه خبر مراجعت سیف‌الدوله حاکم بی‌کفایت سابق باعث شده است که بی‌نظمی و اغتشاش تجدید بیابد. استرآباد که مدت هفت ماه است بی‌حاکم مانده موقع غارت تراکمه واقع گردیده و منزلگاه خوفناک معروف بین مشهد و طهران میدان حملات و حشیانه این غارتگران یاغی شده است.

دولت شاهنشاهی چنان بی‌قدرت است که نمی‌تواند جلوگیری از این اوضاع و رفع آن را بنماید. نه پول موجود دارند و نه نشونی حاضر و بهمین جهت است که احکام و دستوراتشان را مأمورین ولایات به‌حالت غیر اجراء باقی داشته‌اند.

در خود طهران در چند روز آخر ماه گذشته بواسطه هیجان عظیمی که در عزل شاه بوقوع پیوست اغتشاش شدیدی رخ نمود.

(۱) بایقوت = بایکوت، تحریم. — م.

اواخر ماه اکتبر کابینه جدیدی روی کار آمد که در تشکیل آن فقط مجلس مسئول است. این کابینه روی هم رفته کافی‌ترین وزرائی را که از ابتدای طرح و ایجاد مشروطیت امور وزارت را اشغال کرده بودند مشتمل می‌باشد و بسی امیدها به ایشان می‌رود.

نطق‌های تازه مجلس ثابت می‌سازد که کابینه طرف اعتماد مجلس استولی با وجود آن ضعف و بی‌کفایتی که حکومت سابق متصف به آن بود هنوز مشاهده می‌شود. حتی ناصرالملک رئیس الوزراء مایل نیست که کوچکترین مسئولیتی را بپذیرد مگر این که اطمینان حاصل کند که اقداماتش را مجلس تصویب خواهد نمود. وزیر امور خارجه چندان بهتر نیست و انجام امور حتی در مسائل خیابانی جزئی هم بی‌اندازه مختل مانده. قوه مجریه نیز در يك حالت انحطاطی واقع است، و نظر به اوضاع مالیه ناچار استقراضی بعمل خواهد آمد. خزانه خالی است و تا پول موجود نباشد که به یکی از اقسام قشون معموله پردازند اعاده نظم و امنیت بکلی غیرممکن خواهد بود. عقیده ناصرالملک این است که قشون حالیه را موقوف ساخته در عوض آن به يك میزان کمتری تشکیل ژاندارمری نظامی داده شود و یحتمل این مسئله با این اوضاع حاضره بهترین طرحها باشد زیرا من مطمئن هستم که اگر دولت ایران می‌توانست برای يك دفعه تنبیه کاملی به عناصر اغتشاش هر شهری بدهد این کار در قلوب اهالی سایر ایران مؤثر می‌گردید.

آنچه بنظر می‌آید این است که لوازم مادی برای اداره کردن يك چنین تشونی که ذکر شد موجود نباشد و از همه گذشته پول ندارند. عقیده ناصرالملک این است که بدون همراهی دولتین انگلیس و روس هیچ کاری از پیش نخواهد رفت و امیدوار است که دولتین مساعدت مالیه خواهند نمود. من به جناب ایشان اظهار داشتیم که قبل از دخول در هر اقدامی باید منتظر بود تا وقتی که مسیو بیزوت وارد شده و به مشورت مشارالیه مشغول کار شوند.

### نمره - ۶۱

مکتوب مستر مارلینگ به سر ادواردگری (وصول ۲۵ نوامبر)

از طهران ، مورخه ۷ نوامبر ۱۹۰۷

[۱۴ آبان ۱۲۸۶؛ ۳۰ رمضان ۱۳۲۵]

با کمال افتخار خلاصه وقایع يك ماهه را که در ظرف چهار هفته گذشته اتفاق افتاده لفاً ارسال می‌دارم.

در تلو نمره - ۶۱

قسمتی از خلاصه حوادث یکماهه

طهران

در بیست و ششم اکتبر کابینه جدیدی بتوسط مجلس تشکیل یافته و شاه آن را تصویب فرمود. اجزای این کابینه جدید از قرار ذیل است.

وزیر مالیه و رئیس الوزراء ... ناصرالملک، جی. سی. ام. جی.

وزیر داخله (که پست ، تلگراف ، بلدیہ و پلیس وغیرہ منضم بہ آن وزارتخانہ گردیدہ) ...

آصف الدولہ

مشیر الدولہ ، جی.سی.ام.جی.

وزیر امور خارجه

مخبر السلطنہ

وزیر عدلیہ

مستوفی الممالک

وزیر جنگ

وزیر معارف (بہ انضمام فواید عامہ ، معادن ، طرق و شوارع، جنگلہا وغیرہ)

صنیع الدولہ

وزیر تجارت و گمرکات

مؤمن الملک

آصف الدولہ وزیر داخلہ تا بہار ۱۹۰۷ بہ فرمانفرمایی خراسان اشتغال داشت ؛ چون متہم شدہ بود بہ این کہ در فروش زنان و اطفال ایرانی بہ تراکمہ دخالت نمودہ لہذا بہ امر مجلس از حکومت خراسان معزول شد. وی را در دیوانخانہ عدلیہ حضور شاہزادہ فرمانفرما محاکمہ نمودہ «بیگناہی و نداشتن تقصیرش» معلوم و رفع اتہام از ایشان گردید.

مشیر الدولہ پسر ارشد مشیر الدولہ مرحوم است کہ لقب پدر خود را بارث دارا گردیدہ و تا چندی قبل در پطرسبورگ وزیر مختار بود. مؤتمن الملک؛ برادر کوچکتر وزیر امور خارجه مذکور است.

مخبر السلطنہ و صنیع الدولہ برادر می باشند و صنیع الدولہ تا اوایل سپتامبر بہ ریاست مجلس برقرار بود.

تمام اعضای کابینہ باستانی وزیر داخلہ از ایرانیان تجدد پروری هستند کہ تحصیلات عالیہ نمودہ و ہر کدام یک یا دو زبان اروپایی را می دانند.

### تبریز

ولایت خوی ہنوز بہ حالت اغتشاش باقی است. کمیونی کہ مأمور آنجا شدہ بود نتوانست منازعات را اصلاح و فیصلہ دہد. اقبال السلطنہ طرق و شوارع را بستہ است از آن جملہ راہ طرابوزان را - نتیجہ آنکہ کلیہ تجارت دچار تعطیل و خسارت شدہ و تجارت انگلیس نیز در همان جزو فلج آمدہ است. ہمچہ حکومت از بیم آن کہ مبدا مانند اتابک بقتل رسد لہذا بہ انقلابیون میدان آزادی را بخشیدہ است قضاوت و حکمرانی حتی در موارد قتل را انجمن ایالتی متصدی و حکم فرما است. یکی از اشخاص کہ مرتکب قتل گردیدہ و در قنصلگری تحصن اختیار نمودہ بود مستر استہون او را از آنجا خارج ساختہ و رولسیونرہا (انقلابیون) وی را دستگیر و بہ اولیای مقتول تسلیم داشتند و ایشان او را با نہایت بیرحمی در کوچہہا بقتل رسانیدند.

### رشت

وزیر اکرم از حکومت گیلانات معزول و امیر اعظم بہ جای او منصوب گردیدہ و در سوم اکتبر بہ مقر حکومت وارد شد و قبل از آنکہ از طهران حرکت نماید بہ یکی از اعضای سفارت اظہار دوستی نسبت بہ دولت انگلیس می نمود و همچنین در رشت خصوصیت

خود را به آن دولت تکرار می‌کرد. از ابتدائی که وارد شد اقدامات کافیه در رفع اغتشاش بعمل آورد چنانچه اکنون آن اغتشاشات نسبت به سابق کمتر شده است.

### اصفهان

کاروانها در راه اصفهان و یزد و همچنین در راه شیراز و اصفهان کمافی السابق سرقت می‌شوند. در نزدیکی یزد خواست دسته‌ای از دزدها که عده‌شان متجاوز از صد نفر بود هشتاد و چهار رأس قاطر و الاغ که حمل قماش و تریاک می‌نمودند سرقت کرده و برده‌اند.

### سیستان

قنصل دولت اعلیحضرتی اطلاع و راپورت می‌دهد که در موقع تابستان که به گردش و تفریح بلوک مسافرت می‌کرد در تمام قائنات اهالی از مشارالیه پذیرایی دوستانه شایانی نموده‌اند.

### کرمان

در راه کرمان و بندرعباس دو قافله غارت گردید و در يك موردی چهار نفر مکاری کشته شد. تجار تلگراف کردند که دیگر جنس فرستاده نشود تا اوضاع راهها بهتر گردد. پست بندرعباس را نیز بسرقت بردند.

اغتشاشاتی که از انتخابات انجمن ایالتی حادث شده بود در ظرف ماه اکتبر مداومت داشت. حکمران به مقید داشتن پیشوای ملتیان موسوم به ناظم‌التجار امر نمود و پس از گرفتاری تبعیدش ساخت. پس از آن اهالی بطور اجتماع نزد حکومت رفته تقاضا نمودند که او را عودت دهد ولی حاکم قشون را فرمان داد بطرف آن جماعت شلیک کرده پنج تن از آنان مقتول و عده‌ای مجروح گردیدند. این اتفاق که در پیوست، مردم به تلگرافخانه انگلیس و قنصلخانه روس داخل و تحصن یافتند و مشغول به مخابره تلگرافات با طهران شده تغییر حکومت را درخواست و استدعا نمودند. این موضوع در طهران و مجلس شورای ملی مطرح گفتگو و عاقبت حاکم معزول گردید ولی تاکنون به جای او حاکمی معین نشده است.

### شیراز

برخی از دعاوی دولت انگلیس انجام یافت و خسارت اموال مسروقه تصد مأمور مقیم را که هنگام سرقت خورجین‌های پستی قنصلخانه مفتوح شده بود پرداختند. لیکن هنوز قراردادی بر دعاوی عمده داده نشده است.

روز سیزدهم ماه اکتبر سید عبدالحسین لاری با هفتاد نفر از مریدان خویش وارد شیراز گردید، بعنوان این که از مجلس ملی حمایت نماید و مقصود از این هیجان همانا ضدیت با قوام و پسران او است که به شیراز معاودت نکنند. گویند معتمد دیوان مشارالیه را عودت و مخارجش را ایصال داشته است. هنگام ورود جمعیت کثیری به استقبال وی شتافتند. غرض عمده اش اضمحلال و تحلیل قوای قوامیان می‌باشد.

روز جمعه هیجدهم ماه اکتبر امام جمعه که مایل نبود سید لاری در مسجد نماز جماعت نماید او خود بدینجا رفت که ادای فریضه را به امامت خویشان بجا آورد. اتباع

سید بجانب طرفداران امام جمعه بنای شلیک را نهادند و آنها نیز مشغول به جواب دادن شدند و از آن میان معروف است يك نفر مجروح گردید. سپس هردو فرقه شتافتند که تلگرافخانه را متصرف شوند ولی قوامیان زودتر آن مکان را به تصرف درآورده کسان سید را از دخول بدان محل مانع آمدند. همان مقارن غروب بعضی از قوامیان غفلتاً بر عده‌ای از مدعیان خویش حمله آورده ۹ قبضه تفنگ از ایشان جبراً به غنیمت گرفتند. از هیجدهم تا بیست و سوم ماه اکتبر [۲۵ تا ۳۰ مهر؛ ۱۰ تا ۱۵ رمضان] اغتشاش مداومت داشت و گاهی اوقات از تلگرافخانه که قوامیان به عده چهارصد نفر آنجا را مأمین قرار داده و نیز از مسجد که هزار نفر از حامیان سید آن مکان را سنگرگاه ساخته بودند شدت شلیک می‌شد. روز بیستم اکتبر نظام‌السلطنه که از هفدهم تا آن تاریخ در خارج شهر توقف داشت و مایل نبود به امور حکومت فارس بپردازد مجدداً به عمل حکمرانی اشتغال ورزید. در بیست و دویم اکتبر يك نفر از تبعه سید به ضرب گلوله مقتول و دو نفر دیگر مجروح گردیدند و یوم بیست و سوم همان ماه بازارها بطور مختصر تعطیل و بسته شد و بدان واسطه کارهای تجارتي بکلی معوق ماند. اواخر ماه اکتبر در کوچدها بنای شلیک را گذاشتند و چون نظام‌السلطنه ترك شیراز را نمود و از آنجا خارج گردید بدان واسطه اوضاع از همه وقت بدتر شد. اخبار اخیره‌ای که ششم ماه نوامبر به طهران رسید اشعار می‌داشت که اوضاع روی به بهبودی و آرامی نهاده.

يك نفر از رعایای آلمان را دزدها بمسافت کمی از شیراز از جاده منحرف ساخته و آنچه داشت از وی بسرقت بردند.

#### بندرعباس

در ماه سپتامبر يك قافله بزرگی که قسمتی از آن تعلق به یازده نفر از هندیهای تبعه انگلیس داشت و خود آنها نیز همراه قافله بودند مابین راه کرمان و بندرعباس گرفتار دزدها آمدند. ایشان به تنسولخانه منتظام شده و متجاوز از هزار و هفتصد تومان ادعای خسارت می‌نمایند.

#### لنگه

چون رئیس ایرانی گمرکات جداً اصرار داشت که اشیاء زوار را رسیدگی و معاینه نماید لهذا همهمه عظیمی رخ نمود و نسبت به رئیس مزبور با کمال خشونت معامله کردند. بدین واسطه اداره گمرکات بسته شد و عمل تجارت معوق ماند. حاکم موسوم به دریابگی روز بیست و دوم سپتامبر وارد گردید و به تحقیق وقایع فوق‌الذکر پرداخت. عاقبت طرفین متنازعین را صلح و آشتی داد و اداره گمرکات را دوباره مفتوح ساختند. بعد از ظهر همان روز رئیس گمرکات به اجزای خویش اظهار نمود که بایستی داکین خود را تعطیل نمایند و اصرار کنند که از طرف حاکم ترمیمی درباره وی بعمل آید. رئیس گمرکات بوشهر به جای این رئیس مقرر گردید و چون نایب‌الحکومه در موقع اغتشاش همراهی با اجزای گمرکات نموده بود لهذا او را معزول ساختند.

## اهواز

ویس قنسول دولت فخمیه بهمراهی نماینده‌ای از طرف خوانین بختیاری وارد بطوندشد و اشخاصی را که منشأ فساد و اغتشاشات جدید در کارخانه کمپانی نفت بودند در حضور ویس قنسول مزبور تنبیه خوبی نمودند.

ضمیمه خلاصه وقایع ماهیانه به تاریخ هشتم نوامبر ۱۹۰۷

[۱۵ آبان ۱۲۸۶؛ اول شوال ۱۳۲۵]

## اصفهان

بی قانونی و هرج و مرج در اصفهان و نواحی اطراف آن شایع و کارگزاران محلی چنان ضعیف و بی قدرتند که نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند تهیة مستحفظ برای دو دسته مأمورین اداره تلگراف هند و اروپا بنمایند که بیش از یک ماه است بازمانده‌اند از این که حرکت نموده تکالیف بازدید خط تلگراف را انجام دهند. سفارت دولت فخمیه مکرر در این مسئله اقدامات بعمل آورده ولی ثمری بر آن مترتب نیامده. فرقه علماء ساعیند که در تحریم و بایقوت امتعه اروپاییان ترتیبی فراهم آورند.

## مشهد

استرآباد را تا مدت چند ماه حاکمی نبود و تراکمه با کمال جسارت مشغول غارت و چپاولند. منازل «خوفناک» معروف بین راه مشهد و طهران میدان حملات وحشیانه این غارتگران متمرّد گردیده بود. گویند ایشان هشتاد و سه نفر را بقتل رسانیده و تلفات خود آنها نیز چهل نفر بوده. بعد از آن به معدن مس واقع در حوالی میاندشت تاخته هفت نفر مقتول و پنجاه زن اسیر و نیز عده کثیری گوسفند به یغما بردند و بنابراین اخبار اخیر چپاولچیان را هنگامی که مراجعت می‌کردند دهاتیان در محل دیگر عقب نشانده فرار دادند و زنان و گوسفندها را از چنگ آنان بدر آوردند. مجلس سپهدار را به ریاست اردویی برای سرکوبی ایشان مقرر نمود ولی ظاهراً مومی‌الیه اکنون از رفتن امتناع دارد.

## نمره - ۶۲

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواری (وصول ۲۵ نوامبر)

از طهران به تاریخ هشتم نوامبر ۱۹۰۷

[۱۵ آبان ۱۲۸۶؛ اول شوال ۱۳۲۵]

## آقا

با کمال افتخار سواد مراسله وزیر امور خارجه را در جواب مکتوبی که سراسپرینگ راییس به دولت ایران ارسال نموده و در آن مکتوب صورت قسمتی از قرار داد مورخه سی و یکم ماه اوت روس وانگلیس را راجع به ایران نوشته بود لفاً انفاذ حضور می‌دارم.

مفاد و سیاق مراسله مذکوره ظاهراً بکلی خالی از هرگونه منع و اعتراض است.  
(امضا) چارلس م. مارلینگ

ترجمه مراسله مشیرالدوله به مستر مارلینگ

به تاریخ ۲۵ رمضان ۱۳۲۵ هجری (۲ نوامبر ۱۹۰۷)

[۹ آبان ۱۲۸۶]

مراسله آن جناب جلالتماب مورخه پانزدهم شعبان ۱۳۲۵ هجری ، مطابق ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷ میلادی که حاوی و متضمن سواد قسمتی از قرارداد منعقدّه بین دولتین انگلیس و روس راجع به ایران و مشتمل بر یک مقدمه و پنج ماده بود عز وصول بخشید . در جواب با کمال توقیر اظهار می‌دارم و خاطر نصفت مظاهر آن جناب جلالتماب نیز تصدیق خواهند فرمود که قرارداد فوق‌الذکر چون مابین دولتین انگلیس و روس انعقاد یافته لهذا مواد آن قرارداد فقط تعلق به خود دولتین مذکوره که امضای آن را نموده‌اند خواهد داشت و دولت ایران نظر به استقلال تامه‌ای که بموهبت الهی داراست تمام حقوق و آزادی خود را که بدان واسطه استقلال مطلقه متصرف است از هر نفوذ و اثری که نتیجه هر قسم قرار داد منعقدّه فیما بین دو باچند دولت دیگر راجع به ایران بوده باشد کاملاً و مطلقاً مصون و آزاد می‌داند . و در خصوص مناسبات و روابط دوستانه خود با دول متحابه برای تشیید و استحکام مبانی و داد و دوستی بر طبق مواد و شرایط معاهدات مقدسه و اصول درهای باز هرگونه کوشش و اهتمامی خواهد نمود. اما راجع به قروض نیز واضح است که دولت ایران بدون هیچ منقصدتی تعهدات مربوط به قرارداد آن قرضه را مرعی خواهد داشت.

برای اطلاع از اصولی که در این مراسله توضیح و شرط شده سوادى از آن به نمایندگان دول که مأمور مقیم دربار شاهنشاهی می‌باشند فرستاده می‌شود.

مشیرالدوله

(امضا)

نمره - ۶۳

مکتوب سرادودگری به مستر مارلینگ

از وزارت امور خارجه ۲۹ نوامبر ۱۹۰۷

[۶ آذر ۱۲۸۶؛ ۲۲ شوال ۱۳۲۵]

آقا

مراسله مورخه سی و یکم ماه گذشته شما که مبنی بود بر عدم تأدیه منفعت طلب ۴ - ۱۹۰۳ دولت انگلیس و نیز خواهش دولت ایران راجع به تعویق قسط استهلاك همان قرضه واصل گردید.

موادى که در مراسله پانزدهم اکتبر به دولت ایران ارسال داشته‌اید تصدیق و تصویب می‌نمایم.

(امضا) ای. گری

## نمره - ۶۴

تلگراف مستر مارلینگک به سرادواردگری (وصول غره دسامبر)

از طهران غره دسامبر ۱۹۰۷

[۸ آذر ۱۲۸۶؛ ۲۴ شوال ۱۳۲۵]

باوجود اظهارات شدید مؤکده بهیچوجه دولت ایران اقدامی در اصلاح و ترتیب اوضاع شیراز بعمل نیاورده است.

روز بیست و نهم نوامبر یکی از نوکرهای قنسول اعلیحضرتی نزدیک قنسولخانه در بین نزاعی که بواسطه حمله وحشیانه قشقاییها بر یکی دیگر از نوکرهای قنسولگری که نیز لختش نمودند در پیوسته بود مجروح گردید.

سوارهای هندی یک نفر از قشقاییها را دستگیر ساخته و پس از آنکه اسامی همراهان خود را بیان نمود او را تسلیم کارگزاران محلی داشتند. لیکن آنچه را که اظهار کرده بود مجدداً انکار می نماید و تقصیر را به طرف مقابل نسبت می دهد. من در این موضوع اظهارات سخت به دولت ایران خواهم نمود.

## نمره - ۶۵

تلگراف مستر مارلینگک به سرادواردگری (واصله دویم دسامبر)

از طهران ، دویم دسامبر ۱۹۰۷

[۹ آذر ۱۲۸۶؛ ۲۵ شوال ۱۳۲۵]

در تعقیب راپورت ذیل که دیروز از بوشهر مخابره شده بود اظهارات شدید به دولت ایران خواهم نمود.

« راپورت قنسول جنرال دولت فخریه مقیم بندرعباس مذکور می دارد که اوضاع آنجا خیلی بد است. دسته معظمی از بهارلوها (ابوابجمعی قوام الملك) به چپاول اطراف و حوالی مشغول و احتمال آن می رود که به شهر نیز حمله نمایند.

« بتوسط مأمور مقیم برای حفظ منافع دولت انگلیس تعلیماتی داده شده که کشتی اعلیحضرتی موسوم به « لاپینگ » بطرف بندرعباس حرکت نماید. »

## نمره - ۶۶

تلگراف سرنیکلسن به سرادواردگری (وصول یازدهم دسامبر ۱۹۰۷)

از سنت پترزبورغ به تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۰۷

[۱۸ آذر ۱۲۸۶؛ ۵ ذیقعد ۱۳۲۵]

مسیو ایزولسکی مجدداً به اوضاع خطرناک تبریز عطف نظر و مراجعه نموده و به من گفته است که قنسول روس برای حفظ و حراست خویش استعداد بالاضافه می طلبد. جناب ایشان



متحیرند که چه طریقه‌ای را در این خصوص اتخاذ کنند. آیا بایستی نمایش قوای نظامی در سرحد بدهد و یا فقط بیست و پنج نفر برعهده مستحفظین علاوه‌سازد. اقدام اولی شاید مآلاً منتج نتایج وخیمه گردد در صورتی که اقدام ثانی ممکن است مکفی نبوده و تا اندازه‌ای موجب مخاطره شود. وزارت جنگ و همچنین اداره ارکان حرب متفقاً مخالف نمایشات نظامی در این موقع از سال می‌باشند.

## نمره - ۶۷

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواری (وصول یازدهم دسامبر)

از طهران، به تاریخ یازدهم دسامبر ۱۹۰۷

[۱۸ آذر ۱۲۸۶؛ ۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۵]

## اوضاع شیراز

قنصل جنرال دولت فخمه راپورت می‌دهد که دیروز صبح در شهر شلیک شدید بظهور پیوست و چندین نفر بقتل آمدند. کفیل بانک شاهنشاهی هدف گلوله گردید و ظاهراً از روی عمد نبود.

یادداشت سختی به دولت ایران فرستادم و درخواست کردم که بایستی اشخاصی که مقدم بی‌نظمی شده‌اند و مسئولیت اغتشاش برعهده ایشان وارد است از شیراز تبعید شوند.

## نمره - ۶۸

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواری (واصله ۱۵ دسامبر)

از طهران، به تاریخ یازدهم دسامبر ۱۹۰۷

[۱۸ آذر ۱۲۸۶؛ ۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۵]

بی‌نظمی چنان رخ داده که اسباب خوف و هراس شده است. دیروز در یکی از مساجد عمده میتینگ عمومی تشکیل یافت و در سرزنش شاه و درخواست طرد و نفی مصلحت گزار و وکیل وی یعنی سعدالدوله و نیز امیر بهادر نطقهای آتشین ایراد نمودند.

هیئت وزرا استعفا دادند ولی شاه استعفای ایشان را نپذیرفت. امروز صبح جمعیت باهیجانی در خارج مجلس اجتماع داشتند اما عده‌ای از اشخاص مسلح به امر شاه بدانجا آمده و آنها متفرق شدند. کلنل لیاخوف درخواست مجلس را در فرستادن قزاق برای حفظ نظم رد نمود.

## نمره - ۶۹

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواری (وصول ۱۵ دسامبر)

از طهران، مورخه ۱۵ دسامبر ۱۹۰۷

[۲۲ آذر ۱۲۸۶؛ ۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۵]

بعد از ظهر امروز علاء الدوله که از طرف مجلس حضور شاه پیغام برده بود و نیز برادر دیگر او رئیس مجلس، به امر آن اعلیحضرت مقید گردیدند و در ساعت پنج بعد از ظهر رئیس الوزراء را احضار فرموده به قید زنجیر درآورد و در ساعت پنج از شب گذشته او را تهدید به قتل نمود.

من به شاه پیغام فرستادم که امنیت جان ناصر الملك را اطمینان بدهند و از وزیر مختار روس خواهش خواهم نمود که با من معاضدت نمایند و در خیال آنم که اگر اطمینان حاصل نشود من خود حضور شاه بروم. از قرائن همچه معلوم می شود که در تمام شب زحمات خیلی سخت بر ناصر الملك وارد خواهد آمد.

[www.adabestanekave.com](http://www.adabestanekave.com)

نمره - ۷۰

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (وصول ۱۶ دسامبر)

از طهران ۱۶ دسامبر ۱۹۰۷

[۲۳ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۰ ذیقعدہ ۱۳۲۵]

ناصر الملك تبعید گردید و امروز عازم رشت خواهد شد. چون ترس آن را دارد که شاه در بین راه اسباب اتلاف جانش را فراهم سازد لهذا از من متمنی گردید که یکی از اعضای سفارت را همراه وی روانه دارم - چنانچه با اتابک مرحوم که در سنه ۱۸۹۷ [۱۲۷۶ خ؛ ۱۳۱۵ ق] به قم تبعید گردید فرستاده شد. من گفتم حالید این کار را نتوانم نمود ولی معهدا دونفر غلام در خدمت ایشان روانه می دارم.

وقتی که وی گرفتار آمد (رجوع فرمایید به تلگراف مورخه ۱۵ ماه جاری من) مجلس برهم خورد و انجمنها که قوه حقیقی مجلس بر آنها اتکاء یافته بود مجهول ماندند. سایر وزراء استعفا دادند و به دربار احضار گردیدند و در آنجا عملاً به قید حبس توقیف بودند، تا وقتی که ناصر الملك بنا بر خواهش من استخلاص یافت، آنها نیز رها گردیدند. من سعی داشتم در این که معلوم شود سفارت را نخواهم گذاشت آلت پلتیک واقع گردد و از مداخله کناره دارم مگر درباره ناصر الملك که آنهم اثر نیکویی بخشید.

بازارها بسته شد. حامیان شاه که همگی مسلح بودند میدان توپخانه را از دیروز عصر به تصرف درآوردند و اینک تدابیر و حمله پلتیکی شاه ظاهراً مظفر و منصور آمده.

امروز صبح انجمنها با اسلحه اطراف مجلس گرد آمدند. هیچ علامت خطری برای اروپاییان مشهود نیست و تاکنون جنگی اتفاق نیفتاده.

نمره - ۷۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن

از وزارت امور خارجه ۱۶ دسامبر ۱۹۰۷

[۲۳ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۰ ذیقعدہ ۱۳۲۵]

خواهشمندم رجوع نمایید به تلگراف مورخه پانزدهم ماه جاری مسترمارلینگ. شما باید به وزیر امور خارجه (روس) اصرار نمایید که به وزیر مختار روس مقیم طهران تعلیمات داده شود که آنچه در قوه دارد بهمراهی شارژ دافر دولت فخریه اقدامات خطرناک شاه را درباره ناصرالملک و مجلس از فراهم آوردن اغتشاشات طهران ممانعت و جلوگیری نماید.

## نمره - ۷۲

تلگراف سرنیکاسن به سرادوارگری (وصول ۱۶ دسامبر)

از سنت پترسبورغ ، مورخه ۱۶ دسامبر ۱۹۰۷

[۲۳ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۰ ذیقعد ۱۳۲۵]

راجع به تلگراف امروز شما مسیو ایزولسکی به مسیو دوهارت ویک<sup>۱</sup> دستور و تعلیمات خواهد فرستاد که به موافقت شارژ دافر دولت انگلستان هرگونه اقدامی را که نمایندگان دولتین متقاضی بدانند نظر به ممانعت و جلوگیری از بی‌نظمی و هرج و مرج در آن صورت که ممکن باشد بعمل آورد. مسیو ایزولسکی را عقیده آن است که حتی‌المقدور بایستی به نمایندگان دولتین در طهران اختیار و آزادی داده شود.

## نمره - ۷۳

تلگراف مستر مارلینگ به سرادوارگری (وصول ۱۷ دسامبر)

از طهران ، ۱۷ دسامبر ۱۹۰۷

[۲۴ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۱ ذیقعد ۱۳۲۵]

عده زیادی از اشرار مسلح به شهر وارد و در میدان توپخانه مجتمع گردیدند. قشون و توپچیان آنان را حمایت و محافظت می‌کنند. یک نفر از حامیان مجلس را به قتل رسانیدند و به یک سید مشروطه‌خواهی چنان حمله کردند که مشرف به هلاکت است. انجمنها با اسلحه در اطراف عمارت مجلس مجدداً اجتماع نموده‌اند. ترس آن است که قبل از به آخر رسیدن روز، اغتشاش و انقلاب عظیمی بظهور رسد. تراموهای اسبی از حرکت باز مانده و تمام دکاکین بسته گردید.

[www.adabestanekave.com](http://www.adabestanekave.com)

(۱) مسیو دوهارت ویک: وزیر مختار دولت بهیه روس مقیم طهران.

## نمره - ۷۴

تلگراف سرادواردگری به مستر مارلینگ

از وزارت امور خارجه، ۱۷ دسامبر ۱۹۰۷

[۲۴ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۱ ذیقعدۀ ۱۳۲۵]

رفتار و اقدامات شما را که دیروز راپورت داده بودید همگی را تصویب و تصدیق می‌نمایم.

راجع به گرفتاری ناصرالملک مداخله‌ای که در استخلاص ایشان شده بود خیلی خوشوقت شدم از این که نتیجه نیکویی بخشید.

## نمره - ۷۵

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۱۸ دسامبر)

از طهران، مورخه ۱۸ دسامبر ۱۹۰۷

[۲۵ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۲ ذیقعدۀ ۱۳۲۵]

تاکنون هیئت وزراء تشکیل نیافته. طرفداران ملت با کمال جدیت در مقام مدافعه برآمده‌اند. انجمنها هنوز مجلس را حفظ و حراست می‌نمایند.

شاه شب گذشته درخواستهای معتدلانه مجلس را قبول نمود. من از وزیر مختار روس خواهش نمودم که متفقاً از شاه تمنا نماییم اشرار را که باعث مخاطره اروپائیانند متفرق سازد - دسته‌ای از آنها به قصد اینکه تولید بی‌نظمی و آشوب نمایند در شهر گردش می‌کنند. دیروز دو نفر مرد را بقتل آوردند.

چندین چادر برای سایه‌بان و آسایش طرفداران شاه در میدان توپخانه برافراشتند. عرق و مسکرات جهت ایشان آماده کرده و آنان تمام روز را درمیدان توپخانه اجتماع داشتند.

## نمره - ۷۶

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۱۹ دسامبر)

از طهران، بتاریخ ۱۹ دسامبر ۱۹۰۷

[۲۶ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۳ ذیقعدۀ ۱۳۲۵]

## اوضاع طهران

هر چند از اغتشاش تا اندازه‌ای جلوگیری شده و طرفداران شاه که در میدان توپخانه ازدحام داشته و نیز جمعیتی که اطراف مجلس گرد آمده بودند متفرق گردیدند لیکن قرارداد حقیقی و فیصله قطعی هنوز در اوضاع داده نشده.

شاه به علاءالدوله و ناصرالملک اجازه مراجعت داده ولی متوقع است که بعضی از وکلای عمده اخراج شوند.

## نمره - ۷۷

تلگراف مستر مارلینگک به سرادواردگری

از وزارت امور خارجه، ۱۹ دسامبر ۱۹۰۷

[۲۶ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۳ ذیقعدۀ ۱۳۲۵]

## راجع به قروض ایران

با این اوضاع پلتيکی کنونی هرچه زودتر شما بایستی به دولت ایران اطلاع بدهید که اکنون مدتی است تأدیۀ منافع قروض بتعویق افتاده و بنا بر تعلیماتی که به شما داده می شود مختار خواهید بود که اصرار نمایید آن را بفوریت پردازند.

بعلاوه هرگاه مقتضی بدانید به ایشان اطلاع بدهید که اگر در پذیرفتن شروط و قرار داد ما تسامح ورزند بدون هیچ تأخیری مطالبه خواهیم نمود که فوراً قسط استهلاك را ایصال دارند.

## نمره - ۷۸

تلگراف مستر مارلینگک به سرادواردگری (واصله ۲۱ نوامبر)

از طهران، مورخه ۲۱ دسامبر ۱۹۰۷

[۲۸ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۵ ذیقعدۀ ۱۳۲۵]

## اوضاع طهران

وزیر مختار روس از من دعوت نمود که در خصوص اقداماتی که بایستی اختیار نمایم مشورت شود. امروز بعد از ظهر یکدیگر را ملاقات نموده و اعمال ذیل را بخاطر گذرانیدیم:

اولاً، نظر به اینکه از شاه تحصیل اطمینان کنیم که آن اعلیحضرت برای سعادت مملکت با مجلس در کارها همراهی خواهد نمود و اینکه در خیال برهم زدن اساس مشروطیت نبوده، توأمأ یادداشتی حضور اعلیحضرت فردا تقدیم خواهیم داشت.

ثانیاً، برای این که مابین سلطنت و پارلمنت اعتماد فراهم آید لهذا از اطمیناناتی که حاصل نموده ایم بایستی به مجلس خبر داد.

ثالثاً، باید به ظل السلطان اطلاع بدهید که چون ولیعهد را وارث تاج و تخت شناخته ایم پس نمی توانیم تدابیر و خیالاتی که وی در خصوص سلطنت دارد تحمل نمایم.

## نمره - ۷۹

تلگراف سرنیکلسن به سر ادواردگری (وصول ۲۲ دسامبر)

از سنت پترزبورغ به تاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۰۷

[۲۹ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۶ ذیقعدۀ ۱۳۲۵]

وزیر امور خارجه (دولت بهیة روسیه) راپورتی را که بتوسط وزیر مختار روس مقیم طهران راجع با اقدامات متفقانه مشارالیه و مستر مارلینگ در خصوص امور ایران وصول نموده بود ترد من ارسال داشتند. بنابر عقیده مسیو ایزولسکی اقدامات ایشان موجه و شایسته بود. تفصیل شدت اوضاع را که مجال نداده بود به نمایندگان فوق الذکر از دولتین متبوعه خویش درخواست تعلیمات نمایند وزیر مختار روس مفصلاً شرح داده است و حالیه مسیو ایزولسکی منتظر نتایج آن اقدامات می باشند.

از قراری که مسیو ایزولسکی می گوید شاه مکرر از سفارت تمنای کمک و معاضدت نموده ولی ایشان پلتیک بیطرفی و عدم مداخله را اختیار کرده اند.

مسئله پناه دادن شاه را به یکی از سفارتخانه های خارجه در موقع اضطرار و حمایت کردن از وی بتوسط مستحفظین روس وانگلیس یک وقتی موضوع مراسله تلگرافی مسیو ایزولسکی به وزیر مختار روس مقیم لندن گردیده بود.

من به وزیر مختار دولت فحیمه مقیم طهران اطلاع دادم.

[www.adabestanekave.com](http://www.adabestanekave.com)

نمره - ۸۰

تلگراف از مستر مارلینگ به سرادوارگری (وصول ۲۲ دسامبر)

از طهران ، ۲۲ دسامبر ۱۹۰۷

[۲۹ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۶ ذیقعدہ ۱۳۲۵]

وزیر مختار روس و من الساعه از دربار سلطنتی مراجعت کردیم. ایشان با کمال آزادی بیان اوضاع را به شاه عرضه نمود. آن اعلیحضرت اطمینانهای حتمی به ما دادند که رعایت قانون اساسی را نموده از مشروطیت نگاهداری فرمایند.

حال باید اقدام نموده به مشروطه خواهان بفهمانیم که برعهده سفارتین است ملاحظه کنند که آیا آن قولهایی که شاه به ما داده مرعی خواهند داشت.

نمره - ۸۱

تلگراف سر ادوارگری به مستر مارلینگ

از وزارت امور خارجه ، ۲۲ دسامبر ۱۹۰۷

[۲۹ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۶ ذیقعدہ ۱۳۲۵]

ما و دولت روس چنین شایسته دانستیم که برای خاتمه دادن به دسایس ظل السلطان در غصب و بچنگ آوردن سلطنت وی را تهدید نماییم که در آتیه دولتین روس وانگلیس حمایت خود را از او مقلوع خواهند داشت.

دولت اعلیحضرتی در این امر موافقت داشته و به محض اینکه همکار روسی شما در اینخصوص حاضر شوند لهذا شما باید به موافقت مشارالیه در این مقصود اقدام نمایید.

## نمره - ۸۲

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۲۳ دسامبر)

از طهران ، ۲۵ نوامبر ۱۹۰۷

[ ۲ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۸ شوال ۱۳۲۵ ]

از راپورتی که مستر گراهم مصوب<sup>۱</sup> پست فرستاده معلوم شد که اوضاع شیراز بقدری سخت است از آنچه بواسطه اخبار تلگرافی معزی الیه تصور می نمودم که بدان واسطه فوراً در این موضوع مراسله مخصوصی به رئیس الوزراء نوشته خاطر ایشان رامسبوق داشتم که جان و مال اتباع انگلیس در معرض مخاطره می باشد و فهماندم که حتماً لازم است علاءالدوله که بتازگی برای حکومت معین شده فوراً به مقر ایالت خویش عازم گردد تا اینکه از وقوع این گونه نزاع جلوگیری شود و نیز از آن جناب تمنا نمودم که تا ممکن است بهمین زودی وقتی را برای ملاقات تعیین فرمایند . معهذا بواسطه بحران کابینه نتوانستم ایشان را ملاقات نمایم مگر امروز با وجود اینکه به من مرقوم داشته بودند که دولت آنچه را می توانست در استقرار نظم شیراز سعی و کوشش نموده است .

امروز صبح ناصرالملک را در اوضاع طهران چنان غرق تفکر یافتم که مشکل بود دقت ایشان را در امور شیراز معظوف بدارم ولی بالاخره گفتند که در همین یکی دو روزه امید است علاءالدوله بدانصوب عزیمت نماید . این حاکم جدید منتهای بی میلی را به رفتن آن ولایت داشت لیکن عاقبت به شرط داشتن اختیارات راضی به حرکت گردید . قوامالملک را همراه خویش خواهد برد و مختار است در صورتی که لازم بداند استعداد سواره از بختیاری وقتی که به اصفهان برسد و یا از ایلات فارس جمع آوری کند - من به جناب ناصرالملک اظهار داشتم که مراجعت قوامالملک به فارس خطر عظیمی را تولید خواهد ساخت و گفتم اگر آن تصویری که من در اشکالات و زحمات آنجا می نمایم صحیح باشد پس علاج در این است که قوامالملک و معتمد دیوان با دوسه نفر دیگر را از شیراز تبعید نموده و به اهالی بفهمانند که دیگر به ایشان اجازه مراجعت داده نخواهد شد . جناب ایشان انکار نداشتند که این طریق بهترین طریق است ولی ملتفت شدم که دولت بقدر کافی آن قوه را در خود نمی بیند که به این کار اقدام نماید . و من گفتم این مسئله خیلی اسباب تأسف است لیکن از این بدتر همانا تصور نمودن سعی در اعاده نظم است بوسیله ایلات وحشی . این گروه بکلی از تحت دیسیپلین و انتظامات خارج باشند و حتی اگر رؤسای ایشان هم اقدام کنند شاید بازتوان آنان را از هر گونه تجاوز جلوگیری نمود . (امضا) چارلس م . مارلینگ

- ۳۰ نوامبر [ ۷ آذر ؛ ۲۳ شوال ] - وزیر امور خارجه به من گفته بودند که

علاءالدوله کلیتاً امتناع دارد که به شیراز برود ولی حالیه دولت امیدوار است که او را وادار بر رفتن نماید .

سی ۴۰۰۰

## نمره - ۸۳

قسمتی از مکتوب مستر مارلینگ به سرادوارگری (واصله ۲۳ نوامبر)

از طهران ۲۵ نوامبر

[۲ آذر ۱۸۴۱ شوال]

با کمال افتخار قسمتی از روزنامه قنسول جنرال اعلیحضرتی مقیم مشهد را که حاکی است از حملات اخیر تراکمه به مازندران و خراسان حتی به مزینان و میزهیدان واقع در راه مشهد و طهران لفاً ارسال می‌دارم.

حالات عده بسیاری از اتباع روس که در نقاط نزدیک به سرحد و مخصوصاً در حوالی سبزوار اقامت دارند چنان به سختی انجامیده که سفارت روس در دو وهله رسماً به دولت ایران لزوم عبور دادن قشون از سرحد برای حفظ ایشان اعلام داده است.

عاقبت دولت ایران با کمال زحمت موفق گردید که سپهدار به ریاست اردو برای سرکوبی تراکمه عزیمت نماید لیکن جناب ایشان با منتهای تأنی بطرف نقاط مأموریت خویش حرکت می‌کنند و فقط در ۲۲ ماه به رشت رسیده و می‌خواهند از دریا بسمت بندر جز عازم شوند. بنا است مقداری تفنگ و مهمات از آنجا به استرآباد بفرستند و می‌گویند یک فوج پیاده‌نظام از قشون خراسان بدانصوب رهسپار است.

## ملفوف نمره - ۸۳

قسمتی از روزنامه قنسول جنرال دولت فخمیه مقیم مشهد

## حملة تراکمه

۷ نوامبر

از قرار اطلاعات واصله همچو معلوم می‌شود که تراکمه ابتدا خود را در شفیع‌آباد جوین آشکار ساخته هشتاد و سه نفر مرد در آنجا بقتل رسانیدند و تلفات خود آنان چهل نفر مقتول و مجروح بوده؛ بعد حمله به معادن مس که در حوالی میان دشت واقعند آورده هفت نفر مرد را کشتند و پنجاه زن اسیر و چندین رأس گوسفند به چپاول بردند. پس از آن پراکنده گردیده به میاندشت، عباس‌آباد، مزینان، میامی، ناردین، درجز، و فرامین تاختند. در دو محل اخیر ۷۱ نفر را اسیر نمودند. تمام این اماکن در راه مشهد و طهران یا در قرب آن اتفاق افتاده.

حالیه تراکمه چادرهای خود را برپا نموده و بالای دهات مذکوره بیرقها افراشته‌اند. عده ایشان را بطور مختلف می‌شمرند ولی از مقایسه راپورتهای تلگرافی چنین ظاهر می‌گردد که تقریباً هزار نفر یا قدری بیشتر می‌باشند.

بعلاوه راپورت داده شد که صد نفر از سربازهایی که تحت ریاست مظفر نظام از مشهد به طهران عودت می‌یافتند مقتول و دویست نفر از آنها اسیر شدند ولی احتمال دارد این خبر را بطور اغراق گفته باشند. به بجنورد نیز حمله بردند. حاکم آن محل موسوم به شجاع‌الممالک راپورت داد که آنها را شکست داده و سی نفر از ایشان بقتل



رسانیده است که سرهاشان را به مشهد روانه خواهد داشت.

تاکنون اقدام کلی در تنبیه و کوچ دادن تراکمه بعمل نیامده. انجمن ولایتی جلسه فوق العاده‌ای تشکیل داده و از شوکت الدوله رئیس سوارهای تیموری و شجاع الممالک رئیس سواره‌های هزاره‌ای و لشکر نوپس باشی مستوفی قشون خراسان دعوت نمودند که در آن جلسه حضور بهم رسانند. شوکت الدوله اظهار داشت که آنچه را در صلاح و خیراندیشی می‌داند حاضر است بگوید، لیکن بهیچوجه نمی‌تواند به جمع‌آوری سوار پردازد مگر آنکه دولت پول تدارک کند. شجاع الممالک يك بيت شعر قرائت کرد و گفت با اینکه دولت جابر ظالم اموال وی و برادرش را بغارت برده است و اکنون يك نفر سوار باقی نمانده مع هذا اگر دولت پول بفرستد می‌تواند با برادرش دوپست نفر سوار حاضر نماید.

لشکر نوپس باشی گفت سوار بسیار است ولی پول نیست و بعلاوه از طریق تأسف اظهار داشت که البته بسیاری از این سوارها تنها اسامیشان در زوی کاغذ موجود است و آن اشخاصی هم که در حقیقت موجودند بیشتر آنها بیدل و کم جرئت می‌باشند - مگر بفضل مخصوص الهی شامل احوال ایشان بشود تا بتوانند کاری از پیش ببرند.

بالاخره رأی انجمن به این قرار گرفت که از دولت استدعای تهیه و فرستادن وجوهات لازمه برای این رؤسا بنمایند و ایشان آن وقت در عهده بگیرند که سوار مسلح جمع‌آوری نموده حاضر سازند. بنابراین مکتوبی به فرمانفرمای خراسان نوشته تریب پیدا نمودن پول لازمه را به‌وی راهنمایی کردند.

هم در این حال از طهران تلگرافات مؤکده به رکن الدوله مخابره شد و به او فشار آوردند که مشغول اقدامات بشود. ایشان مکرر به شخص شاه تلگرافات عرض نموده استدعای کمک و درخواست دستورالعمل می‌داشت ولی موفق به هیچ گونه جواب صریحی نگردید. آنگاه با وزیر و سالار مکرم مشورت طولانی نمود و نتیجه چنین بخشید که مجتمعاً به انبار ذخیره رفته مقدار معتنابه تفنگ با مهمات از آنجا بیرون آورند و برای حاکم سبزوار بفرستند. مع هذا راپورت رسید که بهیچوجه تفنگ فرستاده نشد زیرا تمام تفنگها را از این پیش آصف الدوله و مظفر نظام برای فایده شخص خود بفروش رسانیده بودند. بعلاوه حکم شد که دو عراده توپ از مشهد به سبزوار روانه دارند و نیز پانصد نفر سرباز فوج قره با صد سوار از تربت حیدری عازم آن ولایت شوند لیکن محل تردید است که آیا آنها حاضر خواهند گردید؟

نمره - ۸۴

مکتوب مستر مارلینگ به سرادوردگری (وصول ۲۳ دسامبر)

از طهران ۴ دسامبر ۱۹۰۷

[۱۱ آذر ۱۲۸۶؛ ۲۷ شوال ۱۳۲۵]

آقا

وقایع یکماهه ایران را که در ظرف چهار هفته اخیر اتفاق افتاده و همچنین خلاصه

صورت جلسات مجلس ملی را در ظرف همان مدت با کمال افتخار لفاً ارسال می‌دارم.  
(امضا) چارلس م. مارلینگ

### قسمتی از خلاصه وقایع یکماهه ایران

#### طهران

مطلب عمده قابل توجهی که در ظرف یک ماه در طهران بوقوع انجامید همانا منازعه بین شاه و مجلس بود که مفصلاً راپورتش داده شده است.

روز ۲۱ نوامبر [۲۸ آبان؛ ۱۴ شوال] مابین برخی از سربازهای محلی ابواجمه‌ای امیربهادر و بعضی از قزاقها که در تحت فرماندهی کلنل لیاخوف می‌باشند نزاع سختی در پیوست و یوم بیست و هفتم همان ماه عده‌ای از سربازهای ظفرالسلطنه در حالت مستی دونفر را در کوچه‌های طهران هدف گلوله گردانیده بقتل رسانیدند. اجساد مقتولین را به خانه آقا سید عبدالله مجتهد انتقال دادند و بازارها موقتاً بسته گردید. از چندین واقعات حمله و دزدی که در کوچه‌های طهران اتفاق افتاد راپورتشان در ظرف آن ماه داده شد و در یکی از آن واقعات یک نفر اروپایی دچار تهدید گردیده بود.

در اوایل ماه نوامبر سفارت دولت اعلیحضرتی مطلع شد که شاهزاده سیف‌الدوله به حکومت کرمانشاه در شرف عزیمت است. باوجود اینکه رئیس الوزرا قول داده بود که نظر به رفتار غیر دوستانه‌ای که از وی نسبت بهما بظهور رسیده بود مجدداً او را بدان مقام منصوب ندارند. فوراً یادداشتهای دیگر به دولت ایران ارسال شد و حرکتش موقوف گردید.

(امضا) جی. پی. چرچیل

منشی شرقی

#### تبریز

در اواخر ماه اکتبر فداییان که از هیچکس واهمه و ترسی ندارند شهر را به حالت بی‌نظمی درآوردند و از قرار راپورت مبلغ کثیری پول از متمولین شهر به زور واجحاف اتخاذ نمودند و سعی داشتند که به آرامنه‌نان فروخته نشود ولی حاکم مانع گردید. تقریباً کارها از جریان افتاد و عموم مردم به حالت یأس و ناامیدی در آمدند. نقاط اطراف، مخصوصاً قرجه‌داغ، خوی و سلماس نیز بسیار مغشوش شده بود ولی از اخبار اخیره معلوم می‌شود اوضاع قدری به سکونت تبدیل یافته است. خوی و ماکو آرام است و قوافل سلامت می‌توانند از رام‌طرابوزان ایاب و ذهاب نمایند لیکن هنوز دزدها قرجه‌داغ را اشغال دارند و موافق اخبار واصله طوایف اکراد در دومیلی شهر ساوجبلاغ مشغول غارت می‌باشند.

روز ۱۶ نوامبر یکی از معلمین مسلمان مدرسه روسی را اوباش متعرض گردیده مجروحش ساختند و چند تیر بطرف مدرسه مذکوره شلیک نمودند. چون معلم فوق‌الذکر از اتباع روس می‌باشد لهذا قنصل خواستار گردیده که هم ترضیه خاطر بعمل آورده شود و هم متصرین را تنبیه نمایند.

## رشت

حاکم جدید موسوم به امیراعظم جداً در حفظ و استقرار نظم به اقدامات پرداخته، عقیده‌اش این است که بیشتر بی‌نظمیها را انجمن عباسی سبب شده است و بسیاری از اعضای آن را به چوب بسته و محبوس ساخت. این کار باعث گردید که مردم تصمیم خود را در پناهنده شدن به قسولخانه انگلیس اعلام داشتند و قنصل جنرال اعلیحضرتی که نماینده از طرف مردم به ملاقاتش آمده بود ایشان را نصیحت گفت که حتماً از تحصن احترام جویند و هر شکایتی که داشته باشند رجوع به مجلس ملی طهران نمایند. چندین سوار که به امر حاکم به کاما مأمور شده بودند اهالی آن محل ایشان را محبوس داشتند. حکومت مصمم شد که مرتکبین را تنبیهی نماید که عبرت دیگران شود ولی بنا بر خواهش و استدعای رئیس موروئی آن ناحیه از تقصیر ایشان در گذشت.

## استراباد

آژانس انگلیس راپورت می‌دهد که در اواخر ماه اکتبر دستجات معظمی از سوارهای تراکمه به دهات نزدیک استراباد تاخت و تاز آورده عده‌ای از مردها را کشتند و جمعی از زنها را با مواشی و رمه بدر بردند.

## مشهد

در قسمت اخیر ماه اکتبر تراکمه «یموت» از برك [= اترك؟] به میاندشت وجوین حمله کردند. جایی که از حملات و چپاول تراکمه مصون مانده همانا ایالت خراسان و شهر مشهد می‌باشد.

## اصفهان

اوضاع اصفهان بالنسبه در ظرف ماه گذشته آرام‌تر بود. آقایان کلیه معاملات تجارتي را با کمپانیهای اروپایی غدغن ساختند - ولی چون با یکی از شرکتهای داخلی که معامله اجناس خارجه می‌نماید شریکند لهذا با کمال دقت از ممانعت خرید و فروش امتعه خارجه احتراز دارند. این مسئله سبب شد که کمپانی زیگلر پرتست نماید و عاملین کمپانی دیکسن مقیم اصفهان نیز راپورت دادند که از ترس آقایان نمی‌توانند روز را مشغول کسب باشند. تجار ایرانی که با کمپانیهای اروپایی طرف معامله هستند به آقایان شکایت بردند که بفوریت نمی‌توانند محاسبات خود را با خارجه تفریغ نموده به ختم رسانند. بنابراین آقایان برای چهارماه به ایشان مهلت بخشیدند که در ظرف آن مدت به تفریغ محاسبات خویش پردازند. شارژ دافر دولت فحیمه این وقایع را به نظر وزیر امور خارجه ایران رسانید و جناب ایشان رجوع به کابینه نمودند

و قرار چنین شد که اگر آقا نورالله در مداخله امور تجارت خارجه مداومت نماید اورا از اصفهان حرکت دهند. قنصل جنرال دولت روس نیز مطلب را به سفارت خویش راپورت داد.

### شیراز

شیراز تا اواخر ماه اکتبر به حالت اغتشاش باقی بود و پی در پی شلیک می شد - و چون چندین گلوله به اداره تلگرافخانه شهری هند و اروپا وارد آمد لهذا آن اداره موقتاً بسته گردید.

در هفته اول نوامبر خبر رسید که هردو فریقین متنازعین کمک و استعداد یافتند. برای لاریها از سوارهای جهرمی و قشقائی امداد آمد و بعد از آن دو مسجد شهر را بتصرف درآوردند و برای قوامیها از ایلات عرب قوه رسید. قشقائیها نیز جنوب و مغرب شیراز را فرا گرفتند. روز دوم نوامبر لاریها مکتوبی به قنصل اعلیحضرتی ارسال نموده و در آن اظهار داشتند که ورود پسران قوام باعث جنگ خواهد شد و اروپاییان جانشان در معرض مخاطره خواهد افتاد - در همان روز قوامیان کاغذی به مستر گراهم نوشته کفیل [آگنت] انگلیس را متهم ساختند به اینکه لاریها را تقویت و معاضدت می نماید ولی وی این مسئله را انکار داشت. روز سوم نوامبر حاکم موسوم به نظام السلطنه که هفته گذشته را در باغ آگنت انگلیس واقع در خارج شهر گذرانیده بود عازم طهران گردید. خبیرالدوله نایبالحکومه به مستر گراهم اطلاع داد که سید لاری یک یا چند کاغذ از نظام السلطنه در دست دارد که می نماید او خود سید را دعوت نموده است. یوم هشتم نوامبر پسران قوام وارد شدند و روز دهم ایلخانی قشقائی خارج گردید از آن وقت اوضاع روی به آرامی و تخفیف نهاد. مع هذا دزدی بطور استمرار باقی است و در نزدیکی قنصلخانه چندین مرتبه مرتکب این عمل گردیدند. در همین ایام تلگرافی از قنصل اعلیحضرتی واصل شده مشعر براینکه قشقائیها با کمال وحشیگری به نوکرهای وی حمله آورده اند. نقاط اطراف شیراز نیز خیلی مغشوش و در حال هرج و مرج است - راههای بوشهر و اصفهان را دزدها فرا گرفته اند و آنهایی که سمت جنوب را اشغال دارند از ایل قشقائی هستند. نوکر لفتنتت<sup>۱</sup> بلك که چند ساعت بعد از آقای خویش از شیراز حرکت نمود و عجله داشت خود را بقافله برساند یکی از سوارهای قشقائی بفاصله کمی از قافله او را جلو بریده اسکناسهای متعلق به بانک شاهنشاهی را که معادل ۴۰۰ لیره (۲,۰۰۰ تومان) می شد از وی بسرقت برد.

روز سوم نوامبر یک نفر تاجر آلمانی مقیم شیراز موسوم به کاپیتن<sup>۲</sup> هاینیک بفاصله یک ربع ساعت دور از شهر گرفتار سارقین گردید. لباسش را از تن درآوردند و آنچه را که او خود و نوکرش همراه داشتند گرفته شد. بعد از آن دزدها سوار اسب ایشان گردیدند و مجبورشان ساختند که در جلو آنها بدوند. کاپیتن مزبور ضربتی یافت و از پای درافتاد.

(۱) لفتنتت (به کسر اول و ثالث و فتح رابع) = ستوان -م.

(۲) کاپیتن (به کسر ت) = سروان -م.

بدان واسطه دزدها که گمان می‌رود از ایل قشقائی باشند او را با نوکرش واسبها سر داده بدر رفتند. کاپیتن‌هاینیک مستقیماً به منزل قنسول جنرال روس آمد و قنسول وقایع را به سفارت خویش تلگراف نمود. قنسول انگلیس وقتی که این حادثه را به سفارت اطلاع داد اصرار داشت که بایستی برای حفظ اتباع انگلیس به اقدامات کوشید.

بطرف یکنفر تاجر انگلیسی ساکن شیراز با ششول تیر انداختند و همچو معلوم می‌شود که اروپاییان بعد از غروب آفتاب امنیت بیرون رفتن را ندارند.

#### یزد

حاکم از شهر خارج شد و شعبه بانک شاهنشاهی ایران تلگراف نمود که سربازهای مستحفظ بانک آنجا را ترك نموده و آنها را بدون محافظ گذاشته‌اند. در این خصوص بایستی به دولت ایران اظهار مؤکد بشود.

#### کاشان

تلگرافچی تلگراف‌خانه هند و اروپا مقیم کاشان تلگراف نمود که اغتشاش عظیمی در آنجا حادث شده و نزدیک تلگراف‌خانه بقدری شلیک شدت مداومت داشت که بدان واسطه قادر بر خارج شدن از تلگراف‌خانه نبود. این واقعه نیز موضوع اظهارات مؤکد به دولت ایران گردید.

#### کرمان

در بیست و دویم ماه اکتبر، حوالی قنسولخانه اعلیحضرتی شلیک در پیوست و بعضی از گلوله‌ها از بالای آن رد می‌شد. عقیده کاپیتن هاورس این است که شلیک را نظر به اینکه او را وادار به دادن راپورت نمایند که شهر به حالت بی‌نظمی در آمده و بدان واسطه مانع از معاودت شاهزاده سیف‌الدوله شود شروع نمودند. ظهیراندوله در ماه نوامبر به حکومت منصوب گردید.

روز بیست و پنجم ماه اکتبر شخص سیدی به یک نفر پیرمرد یهودی مستخدم مدرسه کلیمیان حمله آورد. برادر امام جمعه که از آنجا می‌گذشت به سید ملحق گردید و سربازهای قراول مدرسه مزبور به استخلاص آن یهودی شتافتند. نوکر برادر امام جمعه با سنگ به سربازها حمله نمود و ایشان بدان واسطه او را زدند. مسبو لی گس (رئیس مدرسه کلیمیان) آن یهودی را مستخلص گردانید و کاغذی به امام جمعه نوشته تحقیق این واقعه را از وی درخواست نمود. ضمناً جمعیتی داخل مدرسه گردیده گربان مسیوگس را گرفته‌او را به مسجد کشیدند و به قتل تهدیدش می‌نمودند. امام جمعه با یک مخاطره شدیدی کوشش نموده او را نجات داد و سلامت روانه خانقاه رئیس قشون محلی گردانید. روز بیست و نهم همان ماه مسیوساگس [گس؟] به گمان اینکه به محله یهودیان حمله خواهند آورد پناه به قنسولخانه اعلیحضرتی برد و در آنجا متوقف بود تا وقتی که کاپیتن هاورس از کارگزار برای وی تحصیل امنیت نمود.

## بندرعباس

موافق اخبار واضحه، قطاع الطريق تمام راههای قافله رو را در ظرف ماه اکتبر مسدود داشتند و بدان واسطه تا مدتی قوافل از حرکت بازمانده بودند ولی موافق اخبار اخیره اکنون کاروان حرکت نموده و در ایاب و ذهاب است.

## ضمیمه خلاصه ماهیانه

## یزد

در چهاردهم نوامبر يك نفر تاجر پاریسی موسوم به بهرام گشتاسب بواسطه شخص مسلمانان هدف گلوله و بسختی مجروح گردید و ضارب فرار نمود - سفارت اعلیحضرتی در این خصوص به دولت ایران اظهار نموده است.

## شیراز

قنصل دولت فحیمه یوم سوم دسامبر تلگراف نمود که در شیراز و نیز در تمام فارس هرج و مرج و بی نظمی مزید یافته و ایلات از تحت اطاعت خارج شده و در بهار منتظر مشکلات و زحمات سخت تر باید بود. رئیس الوزراء به شارژ دافر دولت انگلیس اطلاع داده است که تا حاکم فرستاده نشود هیچ کاری نمی توان انجام داد. و حالیه خبر داده شد که بالاخره علاءالدوله در صورتی که شروطش را تماماً پذیرفتند راضی به رفتن گردید. عقیده مستر گراهم این است که اگر ایلات را از شهر شیراز خارج نمایند در اوضاع بهبودی حاصل خواهد شد لیکن حاکم فعالی با تقویت قشون مسلح لازم است تا اغتشاشات را خاتمه بدهد و در حقیقت اگر علاءالدوله بدانجا برود تا اندازه ای این مقاصد انجام خواهد یافت. مستحفظین قنصلگری بالمضاعف باقی خواهند بود تا وقتی که اوضاع بهبودی حاصل نماید.

## مشهد

تراکمه به قوچان حمله آورده و قشون دولتی را شکست دادند.

## بندرعباس

مأمور مقیم دولت اعلیحضرتی در بوشهر روز اول دسامبر تلگرافاً [=تلگرافی] خبر داد که قنصل دولت فحیمه بندرعباس را پورت فرستاده است که بواسطه شرارت ایلات اوضاع آنجا بسختی و در شدت گرفتار آمده. مأمور مقیم قرار داده است که کشتی اعلیحضرتی موسوم به «لاپینک» بدان سمت حرکت نماید.

## ملفوفه دویم در لف نمره ۸۴

یادداشت مستر چرچیل به جلسات مجلس شورای ملی ایران از نهم نوامبر تا دویم دسامبر ۱۹۰۷ [۶ آبان تا ۲۵ آذر ۱۲۸۶، ۲۵ تا ۲۵ شوال ۱۳۲۵] مهمترین مطلبی که در مدت ماه منظور اتفاق افتاد تشریف فرمایی رسمانه شاه بود در ۱۲

نوامبر [۱۹ آبان ؛ ۵ شوال] به مجلس ملی - شاهزادگان منتسبین به سلطنت از جمله ظل‌السلطان و همچنین نمایندگان هر طبقه از قبیل صاحبان مناصب و روحانیین حضور داشتند. برای حفظ جان شاه احتیاطات فوق‌العاده بعمل آوردند. مراسم تشریفات تقریباً تا مدت نیم‌ساعت بی‌سر بطول تینجامید و بعد از آنکه طرفین آغاز به تهنیت نمودند و نیز آقا سیدعبدالله مجتهد از طرف مجلس نطق نمود آنوقت رئیس مجلس قرآن را با صورت قسمنامه مندرجه در ماده ۳۸ قانون اساسی مصوبه ۸ ماه اکتبر ۱۹۰۷ حضور شاه نهاد که به قید قسم تعهد نماید. پس از آن رئیس تقاضای «هورا» برای شاه نموده و عموماً به آواز بلند فریاد شاه زنده باد کشیدند. هیئت دیپلوماسی برای حضور در این مجلس دعوت تشده بود.

این نمایش اصلاح و آشتی موقتاً رنجش و نقاری را که مابین شاه و مجلس موجود بود تخفیف داد ولی بزودی از طرف کارگزاران شاه عملیات منافقت‌آمیزی تجدید یافت که بدان واسطه مردم به خشم و هیجان آمدند.

در تاریخ ۱۷ نوامبر مباحثه طولانی راجع به بودجه بمیان آمد. کمیسیون مالیه مجلس صورتی از مخارج درباری که میزان آنرا به پانصد هزار تومان تخمین زده بود پیشنهاد کرده و درخصوص تحقیقاتی در مواجب و وظایف ارباب حقوق که مبلغ آن درسال بالغ بر نهصد و نود هزار تومان می‌شد کمیسیون مزبور اظهار داشت که مبلغ چهارصد و پنجاه هزار تومان آن از تخفیف یا مقطوع داشتن سیزده نفر که از جمله آنها اتابک و مشیرالدوله مرحوم می‌باشند حاصل شده است.

تقی‌زاده نطقی در خصوص عدم رضایت شاه و درباریان به این قرارداد نموده و اظهار داشت که اگر شاه با این ترتیبات بودجه موافقت ننماید مجلس مجبور خواهد گردید که صاحبان حقوق و اجزای درباری را خود حقوق داده و پس از آن بقیه را که عبارت از سی هزار تومان خواهد بود تقدیم اعلیحضرت دارد.

در چهاردهم نوامبر مسئله تعیین مسیو بیروت به سمت مستشاری مالیه مجدداً در مجلس با حضور وزیر مالیه مطرح مذاکره گردید و معزیه‌الیه اصرار داشت که مجلس صورت کتبرات قبول نماید. پس از مباحثات طولانی صورت مقاوله‌نامه با اینکه رای گرفته نشد قبول گردید.

چون وضع بی‌نظمی مملکت بدتری یافت انجمنهای مختلطه متحداً روز ۱۹ نوامبر عریضه‌ای به مجلس معروض داشته تقاضای اقدامات سریعه در استقرار نظم نمودند و نیز مستدعی شدند که به شاهزادگان و اعیانی که هر یک تعهد کرده بودند مبلغ معینی به بانک ملی اعانه بدهند فشار وارد آید که آنرا نقد بپردازند.

روز ۲۱ نوامبر از حالت و رفتار دو مجتهد بزرگ [آقا سید عبدالله و آقا سید محمد] استنباط می‌شد که عامه مردم هیچگونه رضائیتی از روش مجلس درکارها ندارند. آقا سید محمد مجتهد در مجلس چنین اظهار داشت که «ما از طریقه حکومت شوروی و سلطنت مشروطه بسی محسنات و تمجیدها شنیده بودیم اگر نتیجه آن این است که مشاهده می‌شود پس هیچ فایده نخواهد داشت. آیانه تکلیف سلطنت است که مانع از بی‌نظمی شود؟

با این اوضاع کنونی امنیت جانی در این شهر غیر ممکن است.»  
 در بیست و دویم نوامبر رئیس الوزراء با وزرای جنگ، عدلیه و تجارت به مجلس آمدند و در موضوع رفورم و انتظام قشون مذاکراتی بمیان آمد. در این خصوص هیچ رأی قطعی حاصل نشد ولی وزیر جنگ وعده داد که در ظرف یک هفته نقشه خود را در طریق رفورم قشون به مجلس تقدیم دارد. در ضمن مباحثات بعضی مذاکرات از استقلال کلنل روسی فرمانده بریگاد قزاق گفتگو گردید. رئیس مجلس گفت که جای آن دارد کلنل را بواسطه جنگ آزادانه مابین قزاقهای وی و فوج «سیلاخوری» که دیروز اتفاق افتاده است ملامت نمود.

روز ۲۳ نوامبر عده‌ای از وکلا را برای تشکیل کمیسیونهای مختلفه از جمله کمیسیون وزارت امور خارجه که وظایف آن مشتمل بر نظارت در کارهای آن وزارتخانه و تحقیق در معاهدات قراردادهای و امتیازنامه‌ها می‌باشد انتخاب نمودند.

سیاس کارکنان شاه مخصوصاً سعدالدوله که اوضاع فتنه و آشوب را تهدید می‌کرد، چنانچه از هیجانهای مصنوعی اشخاصی که مقرری آنها را کاسته بودند، نیز از منازعه قزاقها که ۲۱ نوامبر با «فوج سیلاخوری» در پیوست واضح و مشهود آمده و موضوع مذاکرات با حرارتی در مجلس گردید که قسمت عمده اش را تقی‌زاده بیان نمود. از تماشاچیان خواهش شد که از اطاق جلسه خارج شوند و مجلس علنی را به خصوصی تبدیل دادند و مذاکرات با حرارتی زیاده‌تر مداومت یافت. کارکنان شاه را به اسم نام بردند از جمله شاپشال را که به سعی و اهتمام وزیر دربار مقرب شاه گردیده است. سعدالدوله و امیربهدر را به آواز بلند زشت کار نامیدند و برخی از وکلاء بشدت اصرار داشتند که آنان را بایستی از مملکت تبعید نمود. چون از رئیس الوزراء که حاضر بود سؤال شد ایشان گفتند که می‌دانند یک قوه‌ای در پرده برضد مجلس کوشش می‌نماید. خلاصه قرار چنین داده شد که روز دیگر جلسه خصوصی تشکیل یابد و کابینه وزراء حضور بهم رسانیده درخصوص این اوضاع مشغول مذاکرات شوند.

روز ۲۷ نوامبر جلسه خصوصی در مجلس انعقاد یافت لیکن وزراء در دربار سلطنتی مشغول بوده نتوانسته به مجلس حاضر شوند. رئیس مجلس اعلام نمود که شاه مایل است از طرف اعضای مجلس نماینده به حضور ایشان فرستاده شود لهذا ده نفر از مابین وکلاء بدین سمت انتخاب شده به دربار سلطنت رفتند.

روز ۲۸ نوامبر در جلسه علنی دستخط شاه خطاب به نمایندگان که روز قبل شرفیاب حضور شده بودند قرائت گردید. اعلیحضرت شاه لزوم تفکیک وظایف قوه مجریه حکومت را از تکالیف قوه مقننه مجلس اصرار فرموده و اوضاع بی‌نظمی اسف‌آمیزی را که مملکت دچار آمده بسیار مهم شمردند و بالاخره تأکید داشتند که انجمنهایی که بدون هیچ حقی در امور دولت مداخله می‌نمایند و مغل آسایش عامه هستند برچیده شوند و مسبوق گردانیدند که به وزراء نیز امر شده است آنها را موقوف و منحل سازند. مجلس بعد از آنکه با کمال دقت تعمق نمود که چه جوابی در مقابل فرمایشات شاه داده شود با مشورت مجتهدین بزرگ ابتدا اظهار تشکر از صدور دستخط مبارک اعلیحضرتی نمود سپس اطمینان می‌داد



که مجلس هرگز مایل به اختلاط وظایف هیئت مجریه با تکالیف اعضای مقننه نباشد کلیه سعی و اهتمامش در وضع قوانین و نظارت در اجرای آنست. اما راجع به موقوف داشتن انجمنها خاطر شاه را متذکر به اصل ۲۱ قانون اساسی مصوبه هیجدهم اکتبر ساختند که مجامع آزاد است ولی قول دادند که نظامنامه‌ای برای رفتار آنها نوشته شود.

(امضا) جی. پی. چرچیل

## نمره - ۸۵

قسمتی از مکتوب مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ دسامبر)

از طهران، به تاریخ ششم دسامبر ۱۹۰۷

[۱۳ آذر ۱۲۸۶؛ ۲۹ شوال ۱۳۲۵]

اکنون ضعف و بی‌قدرتی دولت به منتها درجه رسیده است ولی باوجود این اسباب تعجب است که با موجود بودن قوائی که همی در تخریب اساس جدید بکار می‌رود اوضاع مملکت هرچند خوب نیست بدتر نشده است. لیکن ترس آنست که هیچ علائم امیدبخشی برای آتیه نتوان بدست آورد. غیر از ایران حتی در ممالک منظمه اگر سکنه بر حکومت مرکزی وارد آید البته منتج متلاشی شدن کلیه انتظامات آن خواهد گردید ولی در ایران اقتدار حکومت مرکزی و نیز تسلط و حکمفرمایی در ولایات بقدری بسته به نفوذ اشخاص است که عدم اقتدار مرکز اثری در سستی اقتدات و سلطه ولایات نخواهد نمود چنانچه در اکثر ولایات دیده می‌شود که بالنسبه آرامی موجود بوده و آثاری که دلالت بر بحران عظیمی که مملکت دچار آن است ظاهر نمی‌سازند.

چنانچه مذکور داشتیم نفوذ حکومت مرکزی بکلی از میان رفته و شاهد آن نداشتن قدرت است در امر و تحکم به اطاعت حتی در مورد رؤسائی که تحت اختیار آن واقعند. از اینجا می‌توان استنباط نمود که چگونه سپهدار مسافرت خود به استرآباد برای جلوگیری از حملات تراکمه متجاوز از پاترزه روز بطول انجام داد و چگونه محتشم السلطنه در عزیمت به ارومیه مسامحه می‌کند و نیز علاءالدوله که به حکومت فارس مقرر شده در حرکت بدان صوب تعلل می‌ورزد. و چون این مطالب از مسائل مؤکده شمرده می‌شود بایستی از خارج فشار سخت به حکومت وارد آید که در حرکت آنان عجله نماید.

بیحتمل هنوز ضعف حکومت در قطعات دوردست ایران محقق نشده باشد ولی همینکه بوضوح پیوست، آنوقت هیچ چیز باقی نخواهد ماند مگر فقط نفوذ شخصی حکام که جلوگیری از سبایس و اغراض اشخاص محلی نموده نگذارند به فعلیت انجامیده تولید هرج و مرجی شود که نمونه آن اکنون در شیراز موجود است. با اینحال نتیجه ضعف حکومت مرکزی معلوم گردیده و چون دانسته شده است که از طهران تقویتی نخواهد گردید لهذا هیچکس حاضر نیست در ایالاتی که اغتشاش موجود است و یا احتمال وقوع آن برود تقبل کار برای اعاده و حفظ نظم نماید. شیراز و کرمان و یزد بدون حاکم مانده، در اصفهان نیزالدوله آلت دست آقایان می‌باشد، و در ارومیه حاکم را از شهر خارج

ساخته‌اند؛ در تبریز فرمانفرما با وجود اینکه با انجمن ایالتی موافقت داشت دچار مخاطره تبعید گردیده و یکی دوروز شهر در قبضه اختیار «فداییان» درآمده بود. وضعیت اوضاع در هیچ نقطه به بدی شیراز نیست. آخرین چاره‌ای که حاکم برای تقویت خویش اندیشید این بود که از طایفه لاریها استمداد بطلبد و بعد چون دانست که از نداشتن استعداد و قوه دیر ملتفت شده است مقام خود را ترك نموده شهر را میدان مبارزه دستجات متخاصمه قوام‌الملک و معتمد دیوان قرار داد و طبیعتاً اغتشاش به تمام ایالت فارس اثر نموده است و احتمال کلی می‌رود که آنچه را مستر گراهم از وقوع آن ترس داشت صورت خارجی حاصل کند و موقعی که ایلات در بهار به نقاط بیلاتی خویش معاودت نمایند اوضاع خیلی بدتر خواهد گردید.

در سمت جنوب طایفه بهارلو اطراف بندرعباس مشغول تاخت و تاز و شهر در معرض حمله است. در مرکز ایران کاشان دومین میدان جنگ شدید بین نوکرهای دونفر از اعیان آن شهر واقع گردیده و اجزاء تلگراف‌خانه هند و اروپا مدتی گرفتار مخاطره بودند ولیکن همچو بنظر می‌رسد که کارگزاران ولایتی هیچ اقدامی در آن خصوص نکرده باشند. در اصفهان آقانورالله و آقا نجفی که یکدیگر را برادرند به فراهم آوردن تحریم امتعه اروپایی می‌کوشند و سه هفته قبل در یزد به یک نفر تاجر پارسی به قصد هلاکت حمله کردند و حاکم آنجا نتوانسته است برای بانک شاهنشاهی قراول و مستحفظینی که معمول بوده است حاضر ساخته و در آنجا بگمارد. در قسمت شمالی تاخت و تاز تراکه حکایات شصت سال قبل را در خاطر تجدید می‌دهد ولی هیچگونه اقدام مؤثری در جلوگیری آنها بعمل نیامده. امثال اینگونه وقایع بسیارند، لیکن گمان می‌کنم آنچه را که بیان نموده‌ام کافی باشد برای دانستن اینکه همهجا مقتضیات بی‌نظمی موجود و حاکم محلی ضعیف است و دولت مرکزی توانایی آن را ندارد که حفظ نظم را در آن محل بنماید. این مسئله بواسطه رشت و کردستان ایران که در حال اغتشاش می‌باشند ثابت می‌گردد اما چون حکام آن دو ولایت کافی هستند بالنسبه راپورتهای مساعد از آنجا می‌رسد.

سستی و ضعف حکومت جهت عمده‌اش بلاشک بیحالی فطری اعضای آن است - مخصوصاً ناصرالملک. با این حال از نقطه نظر اهالی مغرب زمین این کابینه از بهترین اشخاص تربیت شده ایرانی انتخاب گردیده ولی با مشکلات عظیمه متصادف آمده‌اند که عمده آنها خالی بودن خزانه و مخالفت نهانی و آشکارای شاه و ضدیت گروه مرتجعین است.

بی‌پولی دولت از مسلمات است. روز دیگر که ناصرالملک را ملاقات کردم ایشان اظهار داشتند که بهیچوجه مالیاتی ایصال نگردیده - مگر از گمرکات که فوق‌العاده ترقی نموده و از عملکرد تلگراف‌خانه و مداخل تذکره و این هم کلیه صرف مخارج لازمه شده است - وزراء مشغول مذاکره و گفتگوی طرح نقضیات اصلاح جمع‌آوری مالیات و وضع مالیاتهای جدید می‌باشند. لیکن تمام اینها طبیعتاً منوط به داشتن وقت است. پولی نمی‌رسد که به قشون داده شود که مأمور استقرار نظم گردند و بهیچوجه امید نیست که به استقراض داخلی موفق شوند و ترس آن است که اگر پولی فراهم آید دولت با اوضاع

حاضره نتواند به مصارف مفیده برساند. دومین عایق، یعنی ضدیت شاه، یحتمل در انظار ایرانیان اشکالی خوفناکتر از احتیاج به پول باشد. هیئت دولت و رؤسای ملت هیچگونه وسایل مسالمت آمیزی نمی بیند که بدان واسطه قوای او را ضعیف ساخته دستش را در کار تجزیه کوتاه دارند. پولی که شاه صرف اجرای دسایس خویش می نماید معلوم نیست از چه محل بچنگ می آورد. احتمال قوی می رود که تدارک آن را برخی از منتسبین وی و نیز مرتجعین که در ماه سپتامبر گذشته از طریق تدلیس خواهان و طرفدار تجدد شده بودند می کنند.

## نمره - ۸۶

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواری (وصول ۲۳ دسامبر)

[یکم دی ۱۲۸۶؛ ۱۷ ذیقعدہ ۱۳۲۵]

بنابر تلگراف مورخه ۲۲ ماه جاری که شما منخبره فرمودید وزیر مختار روس و من توأمآ به همان نحوی که در تلگراف خودم به تاریخ ۲۱ همین ماه اظهار داشته بودم باطل - السلطان گفتگو کردیم.

## نمره - ۸۷

تلگراف سر ادواری به مستر مارلینگ

از وزارت امور خارجه، ۲۳ دسامبر ۱۹۰۷

[یکم دی ۱۲۸۶؛ ۱۷ ذیقعدہ ۱۳۲۵]

در جواب تلگراف مورخه ۲۱ همین ماه شما تقاضای اولی و ثانوی شما مورد قبول افتاد.

در جواب تلگراف ۲۳، بایستی ظل السلطان را به قرارداد حمایتی که با او شرط شده و از جمله شرط اصلی آن اطاعت وی است از شاه، متذکر ساخت. در موضوع ولایت عهد تا می توانید از مداخلات اجتناب نمایید.

## نمره - ۸۸

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادواری (وصول ۲۴ دسامبر)

از طهران به تاریخ ۲۴ دسامبر ۱۹۰۷

[۲ دی ۱۲۸۶؛ ۱۸ ذیقعدہ ۱۳۲۵]

بنابر تلگراف دیروز شما وزیر مختار روس و من مکتوبی به ظل السلطان نوشته او را از شروط حمایت خودمان یعنی اطاعت کردن از شاه متذکر ساخته و نیز مسبق نمودیم که دولتین متفقاً ولیعهد را به ولایت عهد می شناسند.

## نمره - ۸۹

تلگراف سر ادواردگری به مستر مارلینگ

از وزارت امور خارجه، ۲۵ دسامبر ۱۹۰۷

[۳ دی ۱۲۸۶؛ ۱۹ ذیقعدہ ۱۳۲۵]

شما باید در منازعه شاه با مردمان خویش کمال بیطرفی را اختیار نمایید. هرگاه اعلیحضرت شاه بخواهند در سفارتخانه «پناهنده» شوند شما نیاستی از قبول آن امتناع بورزید مگر فقط به احتمال مخاطره نفوس دیگران - در صورتی که معلوم نباشد جان اعلیحضرت از خطر مصون خواهد بود - و باید کاملاً بطور وضوح بفهمانید که وی رایه همان طریقه و قراردادی پناه می‌دهند که ممکن بود سایر ایرانیان در مواقع این گونه مخاطرات متحصن به سفارت شوند. چه خیلی بایستی اهمیت داد به اینکه مستمسکی به دست کسی نیاید که فرض کنند شاه به تقویت و حمایت ما بر ضد مجلس قیام داشته و باید حاضر باشیم که وی را تسلیم اولیای امور بنماییم مشروط بر اینکه بطور سلامت مجاز باشد از ایران خارج شود.

## نمره - ۹۰

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادواردگری (وصول ۹ ژانویه)

از طهران به تاریخ ۹ ژانویه ۱۹۰۸

[۱۸ دی ۱۲۸۶؛ ۴ ذیحجه ۱۳۲۵]

خواهشمند رجوع فرمایند به تلگرافی که در بیست و یکم دسامبر هزار و نهصد و هفت [۲۸ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۵ ذیقعدہ ۱۳۲۵] مخبره نموده‌اند. وزیر مختار روس و من نتوانستیم دومین مطلب پرگرام خودمان را تا قبل از سیام ماه دسامبر بموقع اجراء در آوریم یعنی مجلس ملی را از تعهدات و اطمینانی که اعلیحضرت شاه به ما داده بودند مستحضر داریم. در همان تاریخ مراسلات متحدالمضمونی به رئیس مجلس ارسال داشته ایشان را از آنچه اقدام شده بود مطلع ساختیم و یقین ثابت خود را در خصوص این که آن اعلیحضرت به عهد خویش وفا خواهند فرمود اظهار داشتیم. روز چهارم همین ماه مراسلات مذکوره در مجلس قرائت گردید.

## نمره - ۹۱

قسمتی از مکتوب مستر مارلینگ به سر ادواردگری [واصله ۲۰ ژانویه ۱۹۰۸]

[از طهران، ۳۱ دسامبر ۱۹۰۷]

[۹ دی ۱۲۸۶؛ ۲۵ ذیقعدہ ۱۳۲۵]

با کمال افتخار وقایع ماهیانه ایران را که در ظرف چهار هفته گذشته اتفاق افتاده اینک

موافق معمول ارسال می‌دارم و مذاکرات مجلس نیز در ضمن خلاصه واقعات سمت ذکر خواهد یافت.

## ملفوف نمرة ۹۱

## خلاصه حوادث ایران در ظرف چهار هفته گذشته

طهران

مجلس ملی

مجلس مخالفت شاه و کارکنان وی را در ماه دسامبر درك و بشدت احساس نموده و در این موضوع چنانچه در خلاصه مذاکرات سابق آن اشارت شد با کمال حرارت بسی مذاکرات جریان یافت. این بحران که در پانزدهم دسامبر به معرض شهود آمد همانا از اصرار مجلس در تبعید سعدالدوله و امیربهادر جنگ دو کارکنان مرتجع شاه ناشی گردید و مظفریتی که نصیب مجلس شد بیشتر به واسطه انجمنها بود که باقوت اسلحه از آن حمایت نمودند. مذاکرات مجلس که جلساتش متوالیاً انعقاد یافت محتاج به راپورت جداگانه نیست. عمده آن مذاکرات راجع به حمله ناگهانی شاه بود و کابینه جدید را که فقط سه نفر از اعضای آن تغییر یافتند یعنی نظام السلطنه به جای ناصرالملک و ظفر السلطنه به وزارت جنگ، قائم مقام به وزارت گمرکات و تجارت — عاقبت مجلس تصویب نمود ولی در جلسه سی و یکم ماه دسامبر راجع به حوادث جدید بطور تحقیر مورد استیضاحات و کلاء گردیدند. حالیه موقع مجلس شاید از سابق قوی تر شده باشد.

## کابینه جدید

وزیر مالیه و رئیس الوزراء	نظام السلطنه
وزیر امور خارجه	مشیرالدوله
وزیر جنگ	ظفر السلطنه
وزیر عدلیه	منخبر السلطنه
وزیر معادن و فواید عامه	صنیع الدوله
وزیر تجارت و گمرکات	قائم مقام
وزیر داخله	آصف الدوله
	جی. پی. چرچیل (امضا)
	منشی شرقی

## تبریز

بتازگی اشخاص مسلح کراراً خواسته‌اند عنفاً به قنصلگری روس داخل شوند و یکی از آنها اظهار داشت که مقصود وی کشتن قنصل روس بوده است. نظر به اغتشاش تبریز و همچنین بر حسب تقاضای قنصل روس در تزئید قوای مستحفظه لهذا دولت روسیه مصمم شده است که فوق العاده ۲۵ نفر قزاق برای قنصلخانه گسیل

داشته و چهارصد نفر قشون در سرحد حاضر دارد.  
دویم ژانویه تلگرافی واصل گردید مشعر بر ورود ۲۵ نفر قزاق روسی به تبریز  
که این عده تعداد مستحفظین قنصلگری را به پنجاه نفر رسانید.

### ارومیه

چون شورشیان در امور قضائیه و اجرائیه مداخله می نمودند بدان واسطه امر حکومت به  
اختلال می گذشت و در ۲۴ نوامبر [یکم آذر ۱۲۸۶؛ ۱۷ شوال ۱۳۲۵] حاکم به فرمانفرمای  
آذربایجان و انجمن ایالتی تبریز تشکی نمود. مشارالیه اختیار یافت که رئیس انقلابیون را  
تبعید نماید - این مسئله در ۲۶ نوامبر صورت وقوع پذیرفت لیکن روز دیگر حاکم  
خود مجبور به ترك آن ولایت گردید و شهر بدون حاکم ماند مع هذا هیچگونه بی نظمی  
و اغتشاش اتفاق نیفتاد.

### رشت

در هیجدهم دسامبر [۲۵ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۲ ذیقعد ۱۳۲۵] انتشار خبر قتل تمام و کلای مجلس ملی و  
شیوع یافتن عبور قشون روس از آستارا به خاک ایران باعث بروز يك هیجان عمده ای در  
رشت گردیده و روز دیگر حکمران با علماء و اعیان و جمعی از طبقات مردم در تلگراف  
خانه اجتماع نمودند و روز ۲۳ همان ماه از طهران تلگرافی رسید مبنی بر اینکه مجدداً  
صلح (مایین شاه و مجلس) برقرار گردید. عنوان فرستادن ده هزار نفر از گیلان به حمایت  
مجلس شورای ملی سبب شد که چهل نفر از مردم آنجا با لباس نظامی مشغول مشق و  
نمایشات نظامی گردیدند.

### مشهد

انجمن ایالتی تلگرافاً [=تلگرافی] به طهران اظهار داشت که نظر به لزوم حتمی تهیه پول برای  
تنظیم قشون خراسان لذا در آتیه از فرستادن مالیات به پایتخت معذور است.  
بالاضافه ، دستجات مختصره قشون به سبزوار و قوچان اعزام شد ولی چون سر کرده و  
صاحب منصب مسئولی نداشت یکان یکان فرار نمودند و از سه هزار فشنگی که به ذریعه  
پست به قوچان فرستاده گردید دوهزار و هفتصد دانه آن در عرض راه مفقود شد.  
در ۲۲ دسامبر [۲۹ آذر ؛ ۱۶ ذیقعد] مشروطه طلبان تمام ادارات دولتی را ملزم به  
تعطیل نمودند لیکن منشیان تلگراف خانه انگلیس را اجازه دادند که در شغل خود  
مداومت نمایند . روز دیگر انجمن ایالتی قورخانه را به تصرف درآورد و اداره پستخانه  
بر حسب خواهش جنرال قنصل ما اجازه یافت که برای اتباع خارجه مفتوح باشد. حزب  
مشروطه خواهان و نیز فرقه مرتجعین هر دو نصیحت جنرال قنصل ما را در رعایت حفظ  
نظم واجتناب از خونریزی پذیرفتند . شهر آرام شد و اروپائیان مورد اکرام واقع گردیدند.  
اهالی مشهد نمایندگان خود را در مجلس ملی طهران در معرض خطر تصور می کردند  
و در خصوص ایشان کمال توحش را داشتند.

## اصفهان

شخصی از طرف آقا نجفی به سمت نمایندگی نزد جنرال قنسول دولت فخمیه آمده انکار می نمود از اینکه آقایان حکم نموده باشند که تجار محلی ترك معاملات با اروپاییان بنمایند. شخص مزبور در حضور منشی قنسولگری انکار این مسئله را می نمود در صورتیکه همان منشی در موقعی که آقا نورالله در عرشه منبر حکم مذکور را به مردم تبلیغ می کرد حضور داشت. بهر حال تجار بومی علناً نمی توانند مانند سابق با اروپاییها داد و ستد نمایند.

## یزد

پستی که از یزد به کرمان حرکت کرده بود روز ۲۲ نوامبر بسرقت رفت و از قراری که می گویند سارقین از ایل قشقائی می باشند.

تمام سربازهای ساخلوی یزد باستانای چهارنفر همگی فرار کرده و به کرمان عودت نموده اند. بانك شاهنشاهی ایران همینقدر توانسته است که از چهار نفر بقیه مستحفظین دو نفر را راضی به توقف نماید ولی تلگرافخانه انگلیس قراول و مستحفظی ندارد. اما شهر باوجود نداشتن حاکم ساکت و آرام می باشد.

## کرمان

قنسول جنرال دولت فخمیه در هفته گذشته دسامبر تلگرافی خبر داد که ناظم و حاجی نایب علیه اتباع انگلیس مقیم کرمان سعایت نموده بسی حيلهها بکار می برند. ایشان در شهر فرمانفرمایی می کنند و دوام اقتدار آنان موجب اضمحلال نفوذ ما خواهد بود. تمام ادارات را تحت اختیار خویش در آورده اند و حتی ماژور دوکات نتوانسته است مراسلات خود را به پست بسپارد و ماژور مزبور که از وی چگونگی تدابیر و ضدیت آنان استفسار شده بود در اول ژانویه تلگراف نمود که روز ۱۶ دسامبر همینکه شاه حمله پلیتیکی خود را مخبره و اعلام فرمود ناظم بنزد نایب قنسول آمده از مداخله کردن دولت انگلیس در این واقعه استعلام نمود. چون گفته شد که دولت انگلیس را مداخلتی نخواهد بود افسرده خاطر گردیده از کشتن خویشان سخن می راند.

روز دیگر چندین جلد کتاب انجیل تذهیب شده کهنه به اسم ماژور دوکات در بازار منتشر ساختند و اشاعه یافت که قشون انگلیس به خشکی پیاده شده بعزم تسخیر کرمان و مجبور ساختن مردم را به قبول مذهب عیسوی ، رهسپار است و ماژور دوکات تذکره حمایت و تأمین نامه توزیع می کند . یکنفر ملا گماشته شد که برضد دعوات مسیحی نطق و موعظه نماید. در ۲۳ دسامبر به هنگام نصف شب مجمعی تشکیل یافت و حمله بر اتباع انگلیس را موضوع مذاکره قرار دادند. این ضدیت را ناظم و حاجی نایب و سید شهاب دخیل بوده و همی سعایت می کردند.

## شیراز

از اواخر نوامبر گذشته در اغلب ایام دسامبر حالت اغتشاش مداومت داشت و شلیک تفنگ بسیار می‌شد. دزدی و حمله بر مردم اتصالاً در کوچه‌ها ازدیاد می‌یافت. حمله‌ای که بر نوکر مستر گراهم گردیده و در خلاصه وقایع سابق راپورتش داده شده بود اینک تفصیل و شرح آن واصل گردید. روز دهم دسامبر متعمداً به کفیل شاهنشاهی تیر انداختند ولی خوشبختانه بخطا رفت. چندین مرتبه مابین فریقین متخاصمین (قوامیان و اتباع سید لاری) عنوان صلح پیش‌آمد لیکن منتج نتیجه نگردید. خبیرالدوله که اسماً نایب‌الحکومه است دارای هیچگونه قوه و استعدادی نیست و قوائی هم که موجود است بکلی در قبضه اختیار پسران قوام درآمد. صاحب اختیار که به فرمانفرمایی فارس نامزد شده بود روز ۳۰ دسامبر به مقر مأموریت خود عزیمت نمود. اخبار اخیره اشعار می‌دارد که اوضاع خیلی آرام است.

بنا بر راپورتی که چاروادارها می‌دهند تفنگچیان در عرض راه از قوافل باج می‌گیرند و در حوالی چنار راه از کاروان مستر زیگلر جلوگیری کرده تمام اموال آنها را به سرقت بردند. از جمله اشیاء منهبه یک صندوق شمش نقره و تفنگ بود و سایر اشیاء مسروقه بیش از صدویست لیره (۶۰۰ تومان) ارزش داشت. متوالیاً از خرابی ایلات راپورت می‌رسد و چنانچه می‌گویند در یک موقع بسیاری ازدهات را ویران و با خاک خاک یکسان نموده‌اند. طوایف بهار بکلی از قید اطاعت خارج و یانگی شده‌اند. همه را عقیده آن است که در بهار آتیه اشکالات زیاد بواسطه ایلات تولید خواهد گردید.

## اهواز

لییوتنان<sup>۱</sup> ویلسن با بیست نفر تائین که مأمور محافظت امور استخراج نفت بطوند [=بتوند] و ماماتن شده بودند در ماه دسامبر وارد اهواز گردیدند و دومین صاحب‌منصب موسوم به لییوتنان رنکینگ اکنون نیز بدان طرف رهسپار است. در اوائل دسامبر مخابرات تلگرافی بین اهواز و برازجان مفتوح و مجدداً مقطوع گردید.

[www.adabestane-kave.com](http://www.adabestane-kave.com)

## نمره - ۹۲

قسمتی از مکتوب مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (وصول ۲۰ ژانویه ۱۹۰۸)  
از طهران ، ۳۱ دسامبر ۱۹۰۷  
[۹ دی ۱۲۸۶؛ ۲۵ ذیحجه ۱۳۲۵]

در سیزدهم ماه جاری که ناصرالملک را ملاقات نمودم اظهارات ایشان حاکی بود که روابط هیئت دولت با شاه مجدداً باعث اضطراب و تشویش خاطر آنجناب گردیده لیکن

(۱) لییوتنان (به کسرت) = لفتنت = ستوان. س.م.